

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۷۹
چهارشنبه ۱۳۵۹ آذر ۱۳، مطابق با
۱۷ محرم ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

چگونه میتوان و باید به اتحاد رسید

در روزهای دوم و سوم آذرماه ۵۹

نیروهای انقلاب ضربات سنگینی بر تجاوزگران صدامی وارد آوردند

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران عملیات روز ۲ و ۳ آذرماه رزمندگان نیروهای مسلح را به این شرح اعلام کرد:

الف: عملیات روز سوم آذر

۱- جنگنده های هواپیمائی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، هوانیروز، در حملات شدید و موثر خود در جبهه های اهواز و دزفول، ۷ تانک، ۱ ضد هوایی، ۴ توپ خود کشی،

یک سنگر، یک چادر مهمات، یک تریلر بزرگ و یک تیربار سنگین ارتش عراق را منهدم ساختند و همچنین در این عملیات یک پاسگاه مرزی عراق را در جنوب فکه با خاک یکسان کردند و پرسنل آن را به هلاکت رساندند و با اجرای آتش موثر بر روی مواضع و ثمرات در این منطقه، خسارات و تلفاتی به دشمن وارد ساختند. ضایعات و تلفات پرسنلی نیرو-

های دشمن بر اثر حملات هلیکوپتر-ها حدود ۳۰ نفر کشته و ۲۰ نفر زخمی گزارش شده است. در عملیات دیرروز (دوم آذر) هوا-نیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران ضایعات پرسنلی نداشته است. تنها یکی از هلیکوپترهای هوانیروز بر اثر آتش دشمن سقوط کرده، که خلبانان دلار آن هر دو سالم هستند و رزمندگان

بقیه در صفحه ۲

شوروت رفع اختلافات و رسیدن به اتحاد مسئله حاد و مبرم روز است و امری است که ظاهراً جلگی برآیند، ولی برای رفع اختلافی و رسیدن به اتحاد، قبل از هر چیز باید دانست که اتحاد برای رسیدن به کدام هدف، پاسخ روشن است: اتحاد برای رسیدن به اهداف انقلاب است که عمده ترین آنها کسب و تأمین و تضمین استقلال واقعی و تام و تمام کشور است، و این فقط در مبارزه آشتی ناپذیر یا دشمن اصلی و آشتی ناپذیر انقلاب -امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، امکان پذیر است.

بقیه در صفحه ۲

افزایش بی رویه قیمت ها، نتیجه سلطه سرمایه داران وابسته بازار است

بازرگانان بزرگ، که واردات ۲۰۰ هزار قلم کالا را در دست داشته اند، و اکنون بجز چهار - پنج کالا که آنها با مشارکت خودشان از سوی «مراکز تهیه و توزیع» وارد میشود، واردات هزاران کالای دیگر را در دست دارند، بازار مصرف را به میل خود می - چرخانند، کالا را با توجه به درجه سودآوری آن انتخاب و وارد می - کنند و در انبارها مخفی میسازند، تا تقاضا بر عرضه پیشی گیرد، و چون عطش جامعه تشدید شد و قیمت ها بالا رفت، آنوقت باز بر اساس محاسبه سود شخصی، تا آن حد و به آن میزان کالا وارد بازار می - کنند، که حتی گوشه ای از سودهای کلانشان هم سائبه نشود. برای آنان مهم نیست که اکثریت خانوادگی زحمتکش قادر به خرید کالاهای مورد نیاز نیستند و یامبلغ هنگفتی از درآمد ثابت خود را باید برای خرید آنها اختصاص دهند مهم آنست که سود حداکثر آنها خراشی برنماید.

این سرمایه داران وابسته به امپریالیسم، که جز ایجاد گرانی و تورم و تشدید فقر زحمتکشان «هنری» ندارند، ستون پنجم امپریالیسم اند. امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، جدائی مردم ما را از انقلاب میخواهد و این سودجویان حریص، یا گرانی و احتکار ناراضی میترانند، تا به تحقق این نقشه کمک کنند. امپریالیسم اضمحلال اقتصاد کشور ما و سقوط انقلاب ما را میخواهد، و اینان یا اخلال در بازرگانی کشور، به این خواست امپریالیسم یاری میسازند، اکنون نزدیک به سه ماه است که جنگ تحمیلی و تجاوزی رژیم صدام، در مناطق غرب و جنوب غربی کشور، آتش و خون بر سر مردم

بقیه در صفحه ۲

بگزارش هفته نامه «دروالیوسف»، چاپ قاهره، ضدانقلابیون ایرانی بر فعالیت های خرابکارانه خود علیه جمهوری اسلامی ایران - افزودند.

خبرنگار این مجله دریاریس مینویسد که برخی از اعضای خانواده شاه ملنون یا علی امینی، که اینک مانند بسیاری دیگر از سردمداران رژیم پیش، در پناه دولت فرانسه، در آن کشور زندگی میکنند، تماس گرفته و از او خواسته اند تا «مقدمات تشکیل یک دولت مهاجر» را فراهم آورد.

در ضمن، شاهرو پختیار، نوکر «سیاه» نیز آمادگی خود را برای همکاری با امینی اعلام داشته است. بنوشته «دروالیوسف»، اشرف پهلوی نیز باردیگر برای مهاجرتی فعالیت های ضدانقلابیون، بویژه امرای «آریامهری» ارتش، به تکاپو افتاده است. او، که شخصاً بیش از یک میلیارد دلار جهت

تأمین مخارج مبارزه با جمهوری اسلامی ایران و «بازگشت رژیم مغفور پهلوی» اختصاص داده است، دانامیان واشنگتن، پاریس و ژنو در سفر است و یکمک ارتشیر زاهدی میکوشد تا بیش از پیش «پشتیبانی آمریکا را از سلطنت طلبان ایران جلب کند»

هفته نامه «دروالیوسف»، در پایان، کما، برخی از کشورهای ارتجاعی عرب، بویژه مصر، را به ساواکی ها و دیگر ضدانقلابیون فراری خاطر نشان میسازد.

توطئه قاسملو و پالیزبان برای حمله به کردستان

بر اساس اطلاع رسیده، قاسملو و پالیزبان تدارک حمله مجدد به شهرهای کردستان و تسخیر آنها را می بینند.

مسئله حمله مجدد به شهرهای کردستان در دستور آخرین «پلنوم» گروه قاسملو قرار جاست و مسئولین امر نیز در جریان این توطئه گذاشته شده اند. همچنین قرار است که همزمان با اقدامات گروه قاسملو، نیروهای پالیزبان و سایر گروه های مسلح ضد انقلابی به کرمانشاه و کامیاران حمله کنند. در حال حاضر نیز نیروهای صدامی از طرف پانه (کانی خان) به جلو کشیده اند و عمل آنها به همراه وابستگان ضد انقلابی گومله در روستاها مشغول شناسایی مناطق شده اند. ما توجه مقامات مسئول را به این مسئله جلب می کنیم و ضمن دادن هشدار، خواستار برخورد هشیارانه آنها با عوامل ضدانقلاب در منطقه هستیم.

«پرسش و پاسخ»
نورالدین کیانوری
پرسی مسائل
میرم روز
صفحه ۲

نخست وزیر جمهوری دمکراتیک خلق یمن در دیدار با دکتر علی شمس اردکانی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در کویت، گفت:

ما بخوبی میدانیم رژیم تکریتی هادر بغداد با همکاری امپریالیسم امریکا این جنگ را شروع کرده اند

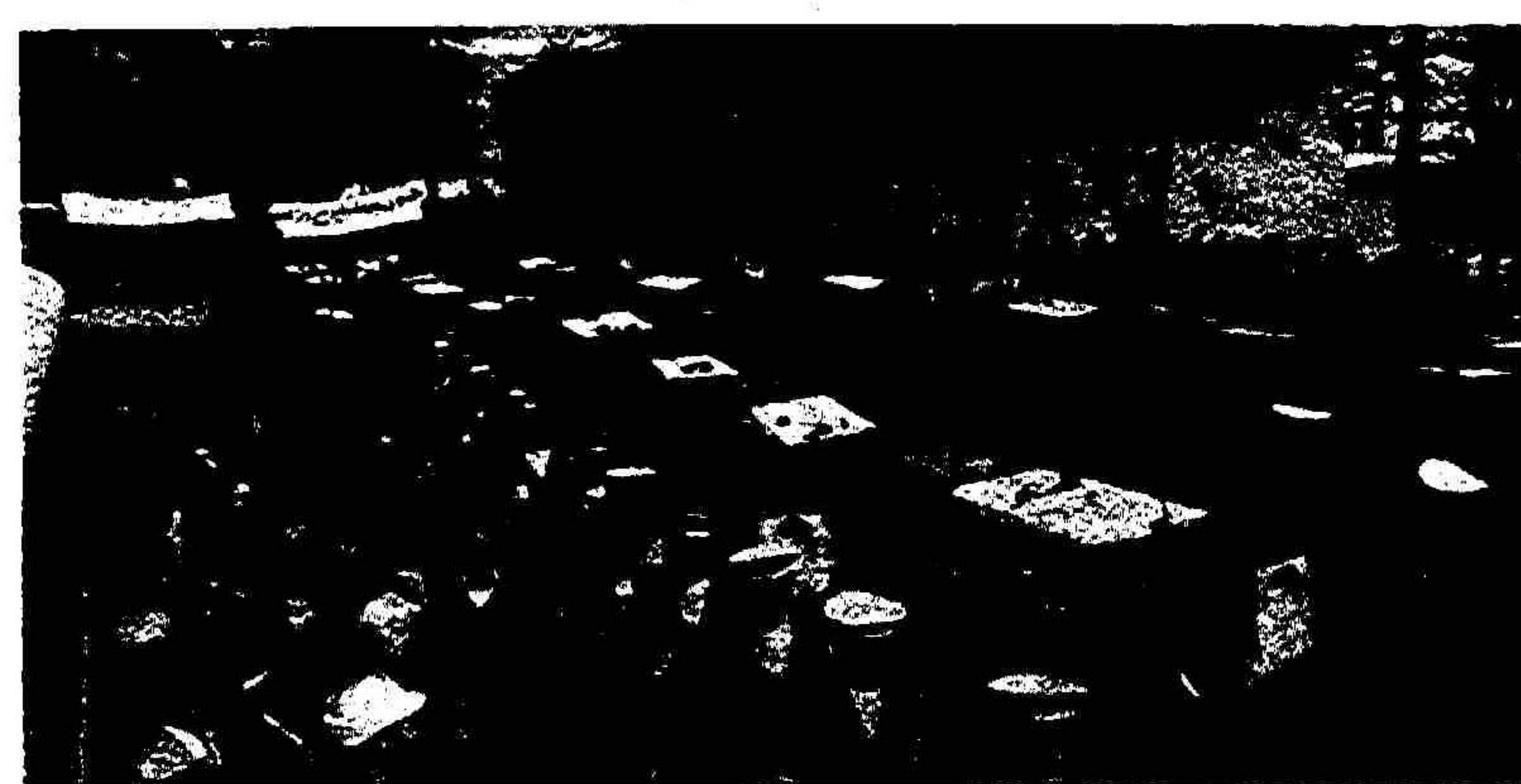
ما تمام روح و ایمانمان متوجه انقلاب اسلامی ایران است

نخست وزیر جمهوری دمکراتیک خلق یمن در دیدار با دکتر علی شمس اردکانی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در کویت، گفت:

ما بخوبی میدانیم رژیم تکریتی هادر بغداد با همکاری امپریالیسم امریکا این جنگ را شروع کرده اند

ما تمام روح و ایمانمان متوجه انقلاب اسلامی ایران است

تشییع جنازه ۲۱ سرباز شهید، بر شانه های مردم



پیکر گلگون ۲۱ سرباز شهید، که جان خود را در راه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از دست داده اند، بر شانه های مردم تشییع شد.

مردم قهرمان ایران پیکر خونین شهید:

محمد فتح آبادی، محمد مطلق، نظامی علیخان، مرتضی طوفانی، محمدرضا توری، علی ظریف، محمود مهدی تبریزی، عبدالکریمی، مختار مقیمی، هافر یکم عباس آقایی راه، قلی زاده مقدم، جمال فلاح، مسعود خیام، عباسعلی محمودی، مدنی اسدی، محمدرضا نصرت، علی هاشمی، محمد مشیری امین، حمید ترکی، حسن میرغمدی و محمد حسینی، را از حسینیه ارشاد در حالی که دسته موزیک نظامی مارش می نواخت، با شعارهای:

این گلربرو ماست، خیتی رهبر ماست
برادر شهیدم، راحت ادامه دارد
به خانه ابدی آنها بردند در این مراسم گروه کثیری از مردم شرکت داشتند و جنازه شهید را، که در میان پرچمهای ایران پوشانده شده و غرق در گل بود، با آندوه و خشم و خروش تشییع کردند.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



نماینده شوروی در کنفرانس امنیت اروپا :

حقوق بشر تنها در جوامع سوسیالیستی حفظ و تضمین می شود

لئونید ایلیچف، معاون وزارت خارجه اتحاد شوروی و رئیس هیئت نمایندگی این کشور در کنفرانس امنیت و همکاری اروپا، در نطق خود از جمله گفت: «هیئت نمایندگی شوروی با این اختیارات به مادرید آمده است که از همه امکانات برای تمرینش بودن کار کنفرانس استفاده کند» وی ضمن اشاره به هياهو غرب درباره باصلاح نقض حقوق بشر در کشورهای سوسیالیستی گفت: «اتحاد شوروی زودتر از همه شرکت کنندگان در کنفرانس در قانون اساسی خود اصول موافقتنامه های هلسینکی را گنجانده و همراه با دیگر کشورهای عضو پیمان ورشو برای حفظ صلح، پیشبرد آرمان خلع سلاح و تحکیم تضمین های امنیتی مبارزه می کند» لئونید ایلیچف تاکید کرد که هياهو قدرتهای غربی در مورد نقض حقوق بشر در کشورهای سوسیالیستی مداخله در امور داخلی این کشورهاست. وی گفت: «حقوق بشر تنها در جامعه سوسیالیستی حفظ و تضمین میشود» نماینده شوروی خواستار گشایش کنفرانس تشنج زدانی و خلع سلاح در اروپا شد و گفت:

«محافل تلاش دارند به بهانه تقسیم ناپذیری تشنج زدایی، اروپا را به کانون تشنجی که منشاء آنها دیگر نقاط جهان است، تبدیل کنند و کنفرانس مادرید را به بحث درباره مسائلی بکشاند که ارتباطی با هدفهای آن ندارد. آنها از جمله تلاش می کنند که باصلاح مسئله افغانستان را مطرح کنند» ایلیچف افزود: «زمان آن فرا رسیده است که بر نمودن تلاش برای مداخله در امور داخلی افغانستان تریک شود. واقعیت آن است که تشنج شدن روابط جهانی با باصلاح رویدادهای افغانستان آغاز شد، بلکه این اوضاع نتیجه سیری است که از دوسال پیش محافل حاکمه آمریکا و چند کشور دیگر ناتو مقابله با تشنج زدانی و در جهت افزایش سابقه تسلطاتی در پیش گرفته اند»

دیرکل حزب کمونیست چین اعتراف کرد:

تأثیر اندیشه های مائو در پیشرفت مارکسیسم - لنینیسم بی اساس است!

مائو تسه دون مسئول همه مصائب و بدبختیهای است که چین در دوره دهساله شاهد آن بوده است.

گزارشهای يك هفته اخیر رسانه های گروهی خارجی و همچنین رسانه های گروهی چین حاکی از آن است که رهبران چین، اکنون آشکارا از جنایات و اشتباهات «فاخشی» مائو تسه دون سخن میگویند. از جمله هویا توینگ، دیرکل حزب کمونیست چین بصراحت اعلام کرده است که مائو تسه دون مسئول همه مصائب و بدبختیهای است که چین در دوره دهساله ۱۹۶۶-۱۹۶۶ (ده سال آخر زندگی مائو) شاهد آن بوده است. «هو» همچنین اعلام کرده است که از جمله «اشتباهات» غیر قابل جبران مائو، جنبش بزرگ به پیش، بود، که برای اقتصاد کشور فاجعه آفرین بود. به گزارش روزنامه های اسپانیایی «هو» خطاب به کاریلو دیرکل حزب کمونیست اسپانیا، تأثیر اندیشه های مائو را در پیشرفت مارکسیسم - لنینیسم بی اساس خوانده است. از سوی دیگر روزنامه های یکن دومین قسمت از مصاحبه چند ماه پیش تنگ شیائوینگ با اوریانو فالاجی، روزنامه نگار ایتالیایی را منتشر کرده اند. تنگ در این مصاحبه به «اشتباهات فاجعه آور» مائو اشاره کرده است.

از طرفی محاکمه «بانگ چهارنفری» به رهبری ییوه مائو چند روزی است که شروع شده است. چند روزنامه چاپ هنگ کنگ گزارش دادند که رهبران چین، که بویژه در سیاست خارجی، دشمنی با اردوگاه سوسیالیسم و جنبشهای رهاایش ملی و دوستی و همکاری با امپریالیسم آمریکا را در پیش گرفته اند، قصد دارند با این محاکمه، خجاستهای خود را توجیه کنند. رهبران کنونی چین، و از جمله «هویا توینگ»، اعتراف کرده اند که مائو نمیتوانسته است از جنایات و خجاستهای که در زمان وی بوقوع پیوسته، بر اطلاع بوده باشد.

اعتراض فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان به رفتار فاشیستی پلیس آمریکا

فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان، با انتشار بیانیه ای، به بازداشت گروهی از زنان مبارز آمریکا بوسیله پلیس این کشور شدیداً اعتراض کرد. زنان بازداشت شده همراه هزاران زن دیگر تظاهراتی علیه سابقه تسلطاتی در واشنگتن برپا کرده بودند. در بیانیه فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان، اقدام پلیس آمریکا و رفتار وحشیانه با تظاهرکنندگان که خواستار حفظ اساسی ترین حق بشر، یعنی حق زندگی در شرایط صلح آمیز، بودند، شدیداً محکوم شده است.

چگونه میتوان ...

بقیه از صفحه ۱

پس وقتی سخن از رفع اختلاف و تأمین اتحاد می رود، منظور رفع اختلاف بین نیروهای انقلابی و نیروهای مخالف انقلاب نیست و نمیتواند باشد. رفع اختلاف بین کلان سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان، که حکومت مطلق آنان در وجود رژیم دست نشانده شاه ملمون سرنگون شده، با خلق زحمتکش مستکبیده و غارت شده، که این رژیم رازیر پرچم اسلام و برهبری امام خمینی واژگون کرده، نیست. این اختلافی است بین طبقاتی که باید یکدیگر نمیتوانند آشتی کنند. این اختلاف آشتی ناپذیر طبقاتی است که در مرحله نخستین انقلاب با سرنگونی رژیم طاغوت بسود طبقات زحمتکش تمام شده و در مرحله کنونی انقلاب، عمدتاً بصورت مبارزه در راه آشتی با امپریالیسم و مبارزه آشتی ناپذیر با امپریالیسم ادامه دارد و تا سرمایه داران بزرگ و زمین داران بزرگ - پایگاه اجتماعی امپریالیسم اسارتگر و غارتگر باقی هستند، ادامه خواهد داشت. غسنا واضح است که خط این نبرد آشتی ناپذیر طبقاتی از زمین مسمومها و سگلاها نمیکند. بگفته امام خمینی، مسمومهای بدتر از سبازاکی هم وجود دارند. اینان در موضع کلان سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان قرار دارند. برعکس، روحانیونی که بنام روحانیت مبارز معروفند، در جبهه خلق زحمتکش، در صف زحمتکشان، در خط امام، برای قطع ریشه نفوذ کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، قطع نفوذ امپریالیسم، بسر کردگی سود زحمتکشان، مستضعفین و محرومان مبارزه میکنند.

خلامه نبرد آشتی ناپذیری بین نیروهای مردمی با نیروهای ضد مردمی، بین نیروهای انقلابی یا نیروهای ضدانقلابی، بین نیروهای رزمنده برای قطع ریشه های اجتماعی امپریالیسم در ایران یا نیروهای خواستار بازگشت سلطه امپریالیسم بر ایران جریان دارد، که در جبهه خلقی این نبرد، هم مسلمانها و هم معتقدان به سوسیالیسم علمی، و در جبهه ضد خلق، هم مسلمان نماها و هم مارکسیست نماها (ترجیهای پوک) قرار دارند.

اما در جبهه خلق نیز اختلافاتی وجود دارد، ولی این اختلافات آشتی پذیرند. این اختلافات عمدتاً ناشی از نظرات مختلف برای رسیدن به هدف واحد، برای رسیدن به اهداف انقلاب، برای دسترسی به پیروزی قطعی و نهائی انقلاب است. در این جبهه خلق، اختلافات طبقاتی

دروزه های ...

بقیه از صفحه ۱

شجاع هوانیروز برای اینکه هلی کوپتر سقوط شده در منطقه دشمن مورد استفاده دشمنان انقلاب قرار نگیرد، قسمت های سالم هلی کوپتر سقوط کرده را منهدم ساختند. ۲- برائسر آتش شدید رزمندگان نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران مستقر در مناطق آبادان دیروز (دوم آذر) خساراتی به نیروهای دشمن، که در محلیه عراق مستقر بودند، وارد

نیز هست، ولی چون این طبقات و اقتدار - طبقه کارگر، دهقانان زحمتکش، خرده بورژوازی شهر و ده و... خواستار استقلال واقعی کشور و نوسازی کشور بسود مردم اند، میتوانند نه فقط امروز، بلکه فردا در کنار هم و حتی به کمک هم زیست کنند. اختلاف طبقاتی آنها نیز آشتی پذیر و قابل حل است. اینان میتوانند صفوف خود را در جبهه خلق بهم بچسبند و باید بفهمند، تا بتوانند جبهه ضد خلق را درهم شکندند و پیروزی قطعی و نهائی انقلاب خود را تأمین کنند.

در جبهه خلق اختلاف معرفتی، فلسفی و ذهنی نیز هست. ولی هیچک از این نوع اختلافات خصوصاً آمیز نیست و نباید باشد. این اختلافات میتوانند تا حد زیادی از بین بروند، بویژه اختلافات ذهنی و ناشی از پیش-داوریهها، که میتوانند یکدیگر مرتفع گردند و در جریان نبرد متحد با دشمن مشترک مرتفع نیز خواهند شد. اختلافات معرفتی - فلسفی نیز چون از نبرد آشتی ناپذیر طبقاتی سرچشمه نمیگیرند و چون نظر به هدف سیاسی - اجتماعی واحدی دارند، کمترین زیانیه پیوستگی جبهه متحد خلق وارد نمیشوند که سهل است، احیاناً نقش عامل کمکی نیز در اتخاذ روشها و راههای درست مبارزات پیروزی بخش میتوانند ایفاء کنند.

در بین آن جبهه ضد خلق و ضدانقلابی با این جبهه ضد خلق و انقلابی، قشری از سرمایه داری قرار گرفته است بنام بورژوازی لیبرال. این بورژوازی لیبرال، قبل از نخستین مرحله پیروزی انقلاب با حکومت طبقه مطلقه قدر دیگری از سرمایه داران ایران، یعنی قشر بزرگ سرمایه داران وابسته به امپریالیسم، مخالف بود، باین دلیل، و فقط باین دلیل، که خود را در برداشت سهم خود از غارت دسترنج زحمتکشان و ثروت کشور مغبون میدید و مغبون شده بود، قابلیت و امکانات رشد خود را تا سرمایه داری بزرگ وابسته محدود شده می-دید و محدود شده بود. ولی پس از نخستین مرحله پیروزی انقلاب، بورژوازی لیبرال از گسترش و تعمیق انقلاب، بنا به طبیعت طبقاتی خود، به وحشت افتاد و ناراضی شد. بورژوازی لیبرال نتوانست حکومت را در انحصار خود درآورد و بالآخر از آن موقعیت طبقاتی خود را در خطر دید، و لذا از انقلاب «پشیمان» شد و درصدد تمز کردن انقلاب برآمد. بورژوازی لیبرال چاره را در سازش با امپریالیسم دید و درصدد سازش با امپریالیسم برآمد و رفته رفته از جبهه انقلاب دور و دورتر شد و به جبهه ضد انقلاب نزدیک و نزدیکتر گردید.

بزرگ و وابسته محدود شده می-دید و محدود شده بود. ولی پس از نخستین مرحله پیروزی انقلاب، بورژوازی لیبرال از گسترش و تعمیق انقلاب، بنا به طبیعت طبقاتی خود، به وحشت افتاد و ناراضی شد. بورژوازی لیبرال نتوانست حکومت را در انحصار خود درآورد و بالآخر از آن موقعیت طبقاتی خود را در خطر دید، و لذا از انقلاب «پشیمان» شد و درصدد تمز کردن انقلاب برآمد. بورژوازی لیبرال چاره را در سازش با امپریالیسم دید و درصدد سازش با امپریالیسم برآمد و رفته رفته از جبهه انقلاب دور و دورتر شد و به جبهه ضد انقلاب نزدیک و نزدیکتر گردید.

شد که از میزان خسارت وارده به دشمن آمار دقیقی در دست نیست. همچنین برج دیده بانی ۱۲۱ رلسی برائسر آتش موشکهای نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران منهدم شد. ۳- روز گذشته (دوم آذر) بر-اثر آتش شدید توپخانه رزمندگان ایران، يك ایستگاه رادار ثابت و چند دکل مخابراتی و حدود ۲ کیلومتر از خطوط ارتباطی دشمن در بندر فاو منهدم شد. ۴- در ساعت ۱۱:۳۰ دیروز (دوم آذر) يك فروند میگ عراقی در منطقه سیومار برائسر

و این روند همچنان ادامه دارد. بورژوازی لیبرال، که حالا دیگر یکلی از انقلاب «پشیمان» شده و طرفدار وابستگی مجدد به امپریالیسم گردیده، دیگر نمی-تواند در جبهه خلق، در جبهه انقلاب قرار گیرد.

بدینسان، مسئله رفع اختلاف و تأمین و تحکیم و اتحاد مسئله رفع اختلاف و تأمین و تحکیم اتحاد درون جبهه خلق، درون جبهه انقلاب است. مسئله اتحاد نیروهای راستین انقلابی - بگفته امام خمینی - «از هر گروه و مسلکی» است. مسئله اتحاد نیروهای متحد به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، امم از مذهبی و غیرمذهبی است، که هم ممکن است و هم ضرورت حیاتی دارد. چگونه میتوان این اتحاد را تأمین کرد؟ بنظر ما، بر مبنای رعایت راستین سه اصل زیرین: اول - حفظ و احترام به استقلال سازمانی، سیاسی و ایدئولوژیک هر گروه، سازمان، حزب و نیروی که هدفش تداوم و تعمیق انقلاب برای تأمین پیروزی قطعی و نهائی آن، حفظ و تثبیت و تحکیم جمهوری اسلامی ایران است، یعنی هدفش محو کامل یازمانده های نفوذ امپریالیسم در ایران، انحلال یازمانده های سر-مایه داری بزرگ وابسته و بزرگ مالکی، نوسازی کشور بسود زحمتکشان و مستضعفان و نیز تأمین آزادیها و حقوق فردی و اجتماعی است، و یابعبارت دیگری، اجرای محتوای شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی».

دوم - تکیه بر موارد و نقاط مشترک عمده، یا توجه باین واقعیت که عمده ترین وظیفه های که امروز و برای مدت بسیار درازی در برابر تمام نیروهای راستین انقلابی قرار دارد، مبارزه برامان با امپریالیسم، بسرکردگی امریکه - دشمن اصلی انقلاب و استقلال آزادی، کشور ماست، مبارزه ای که فقط با سلاح وحدت عمل تمام نیروهای راستین انقلابی می تواند به پیروزی برسد.

سوم - بکاربردن روش دوستانه، با حسن نیت، میرا از پیشداوریهها برای حل اختلافات درباره مسائل فرعی، برهیز مجدانه از تبدیل مسائل فرعی به مسائل عمده، که در غیر این صورت قطب اصلی مبارزه گم میشود، تفرقه شدت می یابد، راه رسیدن به اتحاد مستود می-گردد.

آتش ضد هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران سرنگون شد. بد عملیات روز دوم آذرماه: در نبرد مناطق موسنگرد و سمندون حمودی و حرمان بانیرو-های متجاوز دشمن، این ضایعات و تلفات به قوای کفر وارد شده است. ۳۹ تانک، ۸ بولدوزر، ۵ نفربر، ۶ خودروی سیمات و ۲ ضد هوایی دشمن نابود شد و همچنین ۲ توپ ضد هوایی و ۵ تانک از دشمن به غنیمت گرفته شد. در عملیات روز دوم آذر ماه، مجروحین و کشته های دشمن متجاوز از حدود ۵۰۰ نفر گزارش شده است.

کمک مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است

م-م از سامان شهر کرد ۵۰۰ ریال سازمان حزب در قزوین ۵۰۰۰۰۰۰ ریال يك دختر هوادار از بندر ترکمن ۵۰۰۰ ریال س.خ. ۵۰۰۰ ریال نوشین از کرج ۵۰۰ ریال از محلات ۵۰۰ ریال نازنین ۵۰۰۰ ریال

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کرمانشاهی شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی بپردازند.

ما بخوبی میدانیم...

بقیه از صفحه ۱

در این زمینه سعی می کند دامنه جنگ به کشورهای دیگر منطقه نیز کشیده شود؛ ایجاد تفرقه میان اعراب و ایران، و این برنامه ای بود که در زمان شاه خائن معدوم نیز مدام تکرار می-شد، ولی از آنجائیکه وی مورد نفرت ایرانیها بود، این هدف عملی نشد و اکنون زاندارم تازه آمریکامی کوشد تا چنین تفرقه های را بین ملت های ایران و عرب اجرا کند، تا اربابهایش بتوانند به راحتی منابع آنها را غارت کنند؛ هدف دیگر نظام بغداد آنست که مانع ایفاء نقش فعال ایران انقلابی در بازس گرفتن فلسطین و فلس بشود.

دکتر اردگانی در ادامه سخنانش گفت:

فایران این جنگ را شروع نکرده است و علاقه ای به ادامه و گسترش آن نیز ندارد، ولی رژیم مزدور عراق، که خود شروع کننده این جنگ بوده، سعی دارد تا هرچه بیشتر آن را گسترش دهد و از مسئول تمام عواقب آن بوده و خواهد بود.

سپس نخست وزیر جمهوری دمکراتیک خلق یمن طی سخنانی اظهار داشت:

«ما بخوبی میدانیم رژیم تکریمی ها در بغداد با همکاری امپریالیسم آمریکا این جنگ را شروع کرده اند، تا به تصور خود انقلاب ایران را نابود سازند. ولی ما تمام روح و ایمانمان متوجه انقلاب اسلامی ایران است و مطمئن هستیم نیروهای ضد امپریالیستی خواهند توانست ریشه متحدان امپریالیسم و نوکرانشان را در منطقه از جای برکنند»

نخست وزیر جمهوری دمکراتیک خلق یمن همچنین گفت: «انقلاب اسلامی ایران با اتحاد نیروهای رژیم شاه معدوم را سرنگون کرده».

در پایان این دیدار، نخست وزیر جمهوری دمکراتیک خلق یمن برای ملت قهرمان ایران آرزوی بهترین پیروزیها را کرد.

میراث کنونی



پیشرو و پلنگ

تولد موعود در مشهد و پنجشنبه در تاریخ ۲۸ آذر ۱۳۵۹... میراث کنونی... پلنگ و پیشرو...

بررسی مسائل مبرم روز

۱- «سازش» و «سازشکاری»
یعنی چه؟
۲- درباره ضرورت ملی کردن بازرگانی خارجی

س: روزنامه «میزان» در مقاله «مارکسیسم و سازشکاری» نوشته است: عجیب است حزب توده که آثار داهیانه «بیماری کودکی» «چپ‌روی»...

کند و در این شرایط امپریالیسم آلمان می‌خواست به حمله ادامه دهد و حکومت شورایی را در هم شکند. در اینجا لنین صلح «بست لیونف» را می‌پذیرد...

کسانی می‌خواهند برده‌های از دود ایجاد کنند و چنین جلوه دهند که گویا کشورهای سوسیالیستی هم از بازار ایران، مثل کشورهای غارتگر امپریالیستی، سودهای کلان می‌برند...

به این ترتیب «سازش» که روزنامه «میزان» و گردانندگان آن از یک سال و نیم پیش از انقلاب، یعنی از همان لحظه آغاز اوج جنبش خلقی و مردمی در ایران پیشنهاد می‌کردند...

بر این ترتیب «سازش» که روزنامه «میزان» و گردانندگان آن از یک سال و نیم پیش از انقلاب، یعنی از همان لحظه آغاز اوج جنبش خلقی و مردمی در ایران پیشنهاد می‌کردند...

این اعداد به‌مانند می‌دهد که امپریالیسم آمریکا و امپریالیست‌های همدستان در اروپای غربی و ژاپن، تا چه حد به بازار ایران به عنوان یک بازار غارت وحشتناک علاقه مند بودند...

ولی اگر «سازش» را به این معنا بگیریم که هر چه این نظام غارتگر سرمایه‌داری از ما خواست، ما تسلیم آن شویم. مثلا اگر گفت که بایبید بساط سوسیالیسم را برچینید...

ج: خوب، این یک سؤال مهم اقتصادی است. برای این‌که ما به‌این سؤال درست جواب بدهیم، اول باید بهینه‌ترین وضع اقتصادی کشور ما در زمینه تامین مایحتاج تا قبل از انقلاب چگونه بوده و امروز چگونه است...

در دورانی که مسئله قانون اساسی مطرح بود، یکی از مهم‌ترین مسائلی که حزب مادر زمینه‌ی تامین اقتصاد مردمی مطرح کرد، این بود که جلوی غارت بی‌بندوبار سرمایه‌داری وابسته را باید گرفت...

درباره وظایف میروم طبقه کارگر برکارگران ایران چه می گذرد؟

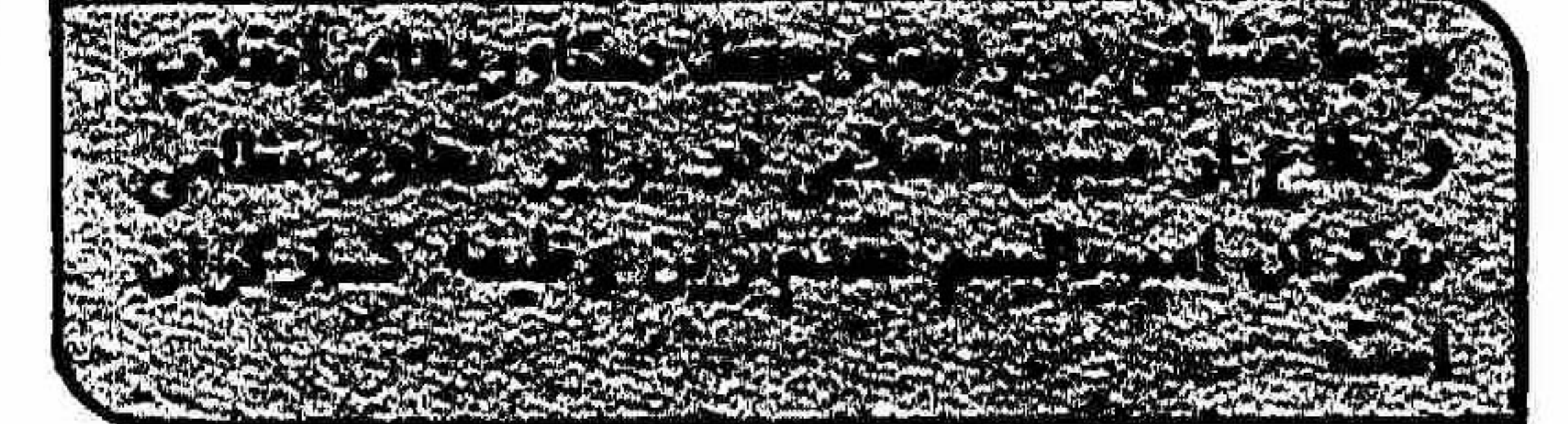
می جنگند و جنگاوران را یاری می دهند

طبقه کارگر ایران از میان آتش و خون گذشته است تا پولاد آبدیده خوشبختی و ترقی مردم مین مبارابه نسل های آینده ارزانی دارد.

دور نمی رویم. تا همین دو سال پیش چماق سرکوب دستگاه "سیا" ساخته ساواکه بیامان و بی درنگ، بر سر همه و بیوز به بر کرده کارگران فرود می آمد. کارخانه ها شایهتی با ستادهای کار و تلاش آفرینشگر انسان ها نداشت. یادگان های در فرو بسته ای بود که دستگاه "حفاظت آریامهری آن را با سیم خاردار محصور کرده بود. زمان گذشت و درخت بالنده کار روئید و بالیدو دیوار خفقان را با ریشه اعتصاب و با تن تنومند زرم فرساینده تیشه زد و ترکاند. بذره های تاریخ به خوشه نشست.

با پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، افقی تازه در آسمان میهن پدید آمد، زلال و امیدبخش چون صبح بهاری. وطبقه کارگر ایران در کناران پیروزی، پیرایه های طاغوتی را به جا رفته گرفتند. سالیان سال در زندان رژیم وابسته به امپریالیسم گرفتار خفقان مزمین بودند قامت از نو آفراشتند و شوراهای انقلابی در واحدهای تولیدی سر بر آورد. به همت این مجامع منفی - انقلابی و با سودمویی از رایحه دل انگیز انقلاب که بر میهن سایه گسترده بود، بسیار دژها از بزرگ سرمایه داران خون آشام به دست توانای زحمتکشان فتح شد و شالوده ای نو، پیشرو و شایسته برای زندگی و کار آنان فرا دست آمد. و این مبارزه ادامه یافت و فراگیرتر شد. هتاهارهای نابینجار گذشته یا طرد و از صحنه بدر شدیا به کلی زیر سوال قرار گرفت. کودک دیروزین به بلوغ دست یافته بود و پا را از گلیمی که دلان امپریالیسم بافته بودند فراتر می گذاشت.

انقلاب بر دژهای ناگشوده بیورش می برد و مقاومت ها فاش تر می شد. هفت خوانی در پیش بود که از جمله و سیمگین تر از همه، میبایست با قهرمانی طبقه کارگر ایران فتح شود. هفت خوان طرد امپریالیسم، برای



دست یافتن به استقلال، پیشرفت و آزادی.

ضد انقلاب پس از پیروزی، در ستیز با طبقه کارگر تمهیدها اندیشید و دامها گسترده، دودستگی ها آفرید. زمینه های درگیری و تنش را همواره و بیگانه فراهم آورد و بر اعتصاب ها امید بست. اموال خلق را بیوز به در قالب انبارهای پر از کالا و مواد مصرفی به مخفیگاه احتکار نقل مکان داد و دستگاه ها و ماشین آلات را به دست تخریب سپرد. از سلاح فرسوده قوانین پنهان به نهایت سود جست و کارگران را دسته دسته اخراج کرد. دسترنج اندک کارگران را تیرداخت، مزایای قانونی آنان را وتو کرد و با نهادهای منفی - انقلابی به مبارزه برخاست. به نام اسلام آمریکایی بر بنیاد احکام انقلابی اسلام تاخت آورد و زیرماسک چپ نمایی با طرح بی اساس ترین شعارها، صفوف متحد کارگران را به شکاف "میدری و نعمتی" گزنت، تا به خیال خام خویش یکی "انگور" بگوید و دیگری "اوزوم فریاد کند و آن سومی از "عنق" یاد کند و همه شمشیر برهم کشند.

ضد انقلاب در لباس کارفرمایان ستم پیشه سودجو، چپا ولگر و صمیقا سرکوبگر، همه جا کوشید تا جلومما دره کارخانه ها و ملی شدن موسسه های تولیدی را بگیرد، از اعمال تاثیر و نفوذ سندیکاها و شوراهای بگاهدو آرام به مسند خدایی پیشین نزدیک شود.

بسیار آزمون ها که انقلاب از سزگذرانده و خوان های تاریخی فتح شدند و خلق انقلابی به رهبری امام خمینی سازش ناپذیر، سرانجام بر ظلمات اهریمن بزرگ هجوم برد تا آب حیات بیابد و جاودانه شود. رمیز جاودانگی در این بود و هست: ملت انقلابی باید از این مبارزه نیز پیروز سربدر می کرد. چنین شد که ما به محو همه "گرفتاری های خود که به گفته رهبر انقلاب "از دست آمریکا" بود، کمر همت بر بستیم و اکنون در این راهیم. جنگ امروز ما با صدام - عروسک امپریالیسم آمریکا در کشوری که خلق آن دوست، برادر و هم رزم ما است، نیز حلقه ای از مبارزه دوران ساز علیه سطره جهانی امپریالیسم جهانی و در راس همه آمریکا را تشکیل می دهد.

امروز، برابر طبقه کارگر ایران میدان گسترده ای برای تلاش و مبارزه قرار دارد: رفتن به جنبه جنگ و دست های کار را به ماشه چکان انقلاب تبدیل کردن: تفنگ در دست از کارخانه ها حفاظت کردن، با دست هتیار بر یوزه دروغ زن ضد انقلاب کوبیدن، کار کردن، کارگردن و هرچه هست را به امر دفاع اختصاص دادن. و ضد انقلاب را در هزار چهره ویرانگرش افشا و طرد کردن و در یک کلام از دستاوردهای انقلاب در املی ترین کانون کار و پیکار آن پاسداری کردن. در این عرصه طوفانی طبقه کارگر ایران، پیشتاز و حماسه آفرین، سرانجام پیروز و سربلند قله های فتح را به سوی دشت سرسبز و آباد استقلال و ترقی، خواهد گشود. جای هیچ تردید نیست که این آینده ناکزیر قربانی ها خواهد گرفت، بگذار در فردای سعادت بار میهن از ضحاک امپریالیسم تجاوزگر زمانه - آمریکا - نشانی نباشد. گاوها را بگو تا سلاح را صیقل دهند!

دیده های را یاری رویت آن است.

دست غارتگران را کوتاه می خواهند!

سال ها واحدهای تولیدی، این شریان حیاتی کشور در دست بزرگ سرمایه داران وابسته به امپریالیسم بود. کارفرمایان فعال مایشا بودند. آنچه میخواستند فارغ از هرگونه محدودیت و برکنار از نظارت هیچ قانون مردمی، می کردند. چنگیزوار آمدند و زدند و سوختند و کشتند و بردند. اما در همواره بریک باشنه نمی چرخید و آتش فشان فوران کرد. طاغوتیان گروهی رخت سفر بر بستند و زحمت را کم کردند. گروهی به چنگال قهار عدل انقلابی گرفتار آمدند. اما دسته ای با توسل به شیوه های استتار شده ماندند و کار خویش را بگونه ای دیگر در شرایط نوین سامان بخشیدند. این روش ها باید کشف، افشا و طرد می شد، و طبقه کارگر به متابه یگانه نیرویی که با همه وجود گرفتار چنان بندهایی بود، ناگزیر در صف مقدم مبارزه با این پس مانده های نظام پیشین برآمد. باید دست کلان سرمایه داران از شاخه های کار ساز صنعت و بازرگانی و خدمات قطع می شد. فریاد طبقه کارگر در این راستا همواره بی جواب نبود. اما متاسفانه همیشه بازتاب شایسته خود را در میان دست اندرکاران نمی یافت بسیاری واحدها به خواست کارگران و با یاعردی سندیکا و شوراهای به دستگیری نهادهای انقلابی، ملی شدند. سازمان صنایع ملی شده که یک شورای هفت نفره در راس آن قرار داشت، پدید آمد و کنترل سیصد و نود واحد تولیدی را که ملی شده بود، در دست گرفت.

فشار به حق کارگران برای شمول هر چه بیشتر ملی شدن بر واحدها همچنان در کار است و جز این نمی تواند باشد. نظریه پردازان و مبلغین سرمایه داری همواره تا کید کرده اند که دولت مدیر خوبی نیست و ملی کردن واحدها سرانجامی جز رکود در تولید و ورشکستگی کارخانه ها، به بار نخواهد آورد. بدبختی است کارگران این سفسطه ها را با پیش انقلابی خویش طرد می کنند و می دانند که در یک نظام انقلابی و خلقی، مدیریت انقلابی می تواند نه تنها عوارض جانفرسا و فاجعه بار مالکیت خصوصی را جزان کند، بلکه با برنامه ریزی صنعتی و به سود توده های مردم همزمان با جلوگیری از اشکال گوناگون بروز ضایعات، صدها برابر ظرفیت تولیدی واحدها را هم از جهت کمی و هم از نظر کیفی ارتقا دهد. این همان روندی است که امروز در بسیاری



از نظام های مردمی به طور گسترده و با موفقیت ادامه دارد. هم از این رو است که کارگران همچنان دست اندرکار مبارزه برای غلبه از زالوفشان طاغوتی کارفرما هستند. ضد انقلاب البته با جا دادن مدیران طاغوتی، سازشکار، غیر انقلابی و فاقد تحرک لازم، نیز آن ها که شیوه اعمال نفوذ انقلابی را خوش نمی دارند و منافع کارگران را به چیزی نمی گیرند، در راس واحدها در تلاش است تا این روند را متوقف کند و به بیراهه کشاند. اما کارگران انقلابی برخواست ملی شدن ماندند و اعمال مدیریت انقلابی را نیز دنبال کردند. آنان هرچس نشانی از مدیریت ناسالم دیدند کوشیدند تا ضمن کنار زدن آن، با اداره شورایی و با کمک موثر و رسمی خویش این غلا را برکنند. تجربه موارد اتفاقیه در این یک دو سال آنان را به یافشاری درخواست انقلابی خویش استوارتر کرده است.

کارگران به چشم خویش می بینند هرچس اعمال مدیریت از طریق نماینده کارگران، کارکنان و فرستاده دولت تواما صورت گرفته بسیاری از توطئه ها عقیم مانده و انبوهی از نارمایی ها و دشواری ها از پیش پای برداشته شده است. برعکس مدیران غیر انقلابی بر دشواری های موجود افزوده اند نمونه زیر گویای همین نظر است:

اکنون، مدیر دولتی کارخانه فایزریک نفر داروساز وابسته به حزب منطله رستاخیز و عضو کانون "سپاهیان انقلاب" شاهانه در رژیم پیشین است. وی از طرفداران رژیم سابق و کارمند بخش "تغذیه رایگان" (بخوان سفره غسارت رایگان برای بوروکرات ها)، معاون سیمان تهران در همان رژیم (همزمان با کمبود شدید سیمان) و شمی است که از نظردانش داروسازی نیز چندان قابل توجه نیست!

مشتی است نمونه... کارخانه های داروسازی ایران در راه قطع وابستگی و نیل به خودکفایی در جامعه نقش والایی دارند. و اکنون تولید آن ها بسیار افسنت کرده است. فرستادن ناظر و مدیر دولتی به دنبال ملی کردن این واحدها نیز چنان که می دانیم به جا و شایسته است. ولی با مدیران وابسته که عمیقا با نظام انقلابی و خلقی ما بیگانه اند چه می توان کرد؟ مساله این جاست. باید گفت وظیفه خطیر کارگران در افشا و طرد مدیران وابسته از تلاش آنها برای ملی کردن واحدها اهمیت کمتری ندارد. دکتر مادقی، یکی از اعضای شورای سازمان صنایع ملی شده در این زمینه می گوید:

"در آن نظام (سلطنتی) یک سری مدیر با اتکا به نیروهای غیر مردمی مدیریت می کردند" وی ضمن تصریح این نکته که باید جامعه را با مدیریت جدید داه کرد، به درستی اضافه می کند که: "... این کار زمان می خواهد. در بین ما افرادی باید رشد کنند تا بتوانند کارخانه ها را با وضع جدید اداره کنند، نهادیکتاتوری و اتکا به نیروهای غیر، همانند شلاق ساواک بلکه متکی بر نیروی کارگر و خواست توده مردم. این سیستم مدیریت جدید برای بسیاری از مدیران ما ناآشناست و به طور طبیعی ما تا مدت ها در کارخانه جات خود از این نوع مشکل فراوان داریم..."

نام آوران جبهه کار به سنت خویش در سنگر می شوند. آنان زیر باران گلوله ها از هزار جان توانای خویش بر ضد خصم نابکار تجاوزگر استمداد می کنند. فرقی نمی کند بر ضد سرمایه دار وابسته و رژیم پهلوی یا بر علیه دست لرزان امپریالیسم در آستین صدام. هم در این هنگامه است که کارگران ماشین سازی اراک به شهادت می رسند و در شهادت ماشا الله مهدی زادی، پاسدار و کارگر ذوب آهن، انبوه کارگران ذوب آهن منطقه کرمان، بیمان می بندند تا آخرین قطره خون خود را نثار انقلاب کنند و از میهن انقلابی تا آخرین نفس دفاع کنند! چه بسیارند آنها که در غوغای ویرانگر بمب ها، بی هراس و دلیرمبارزه می کنند و می میرند. مرگی را که با افتخار است: شش تن از کارگران ایران ناسیونال، شهوند و هلی کوپتر سازی زیر بمباران هواپیماهای دشمن شهید می شوند.

دشمن، کارخانه ها و ستادهای کارگری را که به حق ستاد بسیج انقلابی میهن ماست، درهم می کوبد و طبقه کارگر ایران همچنان می رزمند. تصفیه خانه ها، تلمبه خانه ها، اسکله ها، پلها، سد ها، راه ها، نیروگاه ها، کارخانه ها (صنایع فولاد، ذوب آهن و...) درهم کوبیده می شوند ولی دشمن خشت بر آب می زند. این جا ققنوسی آشیان گرفته است که از همه این خاکسترها تولد دیگری خواهد یافت.

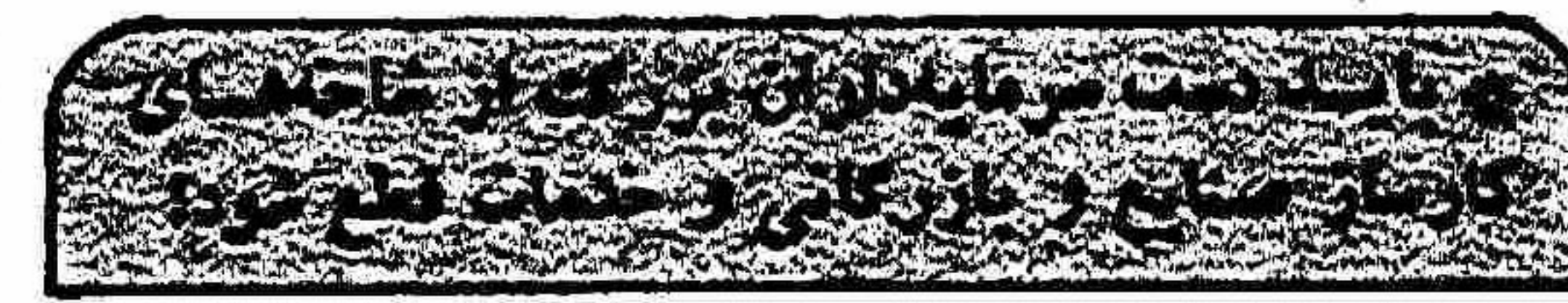
عصر شنبه ۷/۲۶ تلمبه خانه گازو موتک سازی اهر مورد حمله هواپیماهای دشمن قرار گرفت و به کلی منهدم شد... فردا دوباره از نوساخته خواهد شد! به دست توانای طبقه کارگر ایران!

از کارخانه که خود سنگری استوار و اساسی است تا جبهه جنگ، صف کارگران روان است. جبهه را باید سامان داد و تجهیز کرد. باید به فن رزم آوری دست یافت. دست های پینه بسته و کار آزموده، آموزش پیکار می بینند، ستادهای بسیج نظامی در کارخانه ها دایر می شود. همه جا، هرسو و این جا:

دریالایشگاه تهران هم اکنون علاوه بر این که آموزش نظامی از سوی سپاه پاسداران پالایشگاه، هرروز بعد از ظهر، برقرار شده، ستادیه نام "ستاد پشتیبانی فنی" در کار است.

این ستاد افرادی را که در هفته حداقل یک روز به کارهای اضطراری پالایشگاه رسیدگی می کنند، در بر می گیرد. تا کنون بسیاری در این ستاد نام نویسی کرده اند. سندیکاها و شوراهای همه جا در تکاپویند و در این کار دمی از پا نمی نشینند. تفنگ را باید نشانه رفت و دست ها باید به این فن مسلح شوند. با یک دست ابزار کار و در دست دیگر تفنگ! این شعار امروز همه کارگران را به کار آورده است! این البته همه، کار نیست، می توان علاوه بر جان، از هرامکان دیگر یاری جست، به امر دفاع کمک کرد. سیل کمک های رنگارنگ، لباس و وسایل گوناگون، نقدینه های ناچیز دسترنج اندک، رو به جبهه نثار می شود.

کارکنان کارخانه های انرژی یک میلیون ریال به امر دفاع اختصاص دادند... کارکنان کارخانه تکنوایش (وابسته به بنیاد مستضعفین) یک روز حقوق خود و هزیسنه نهار یک هفته خود را به امر جنگ میهنی اختصاص دادند...



کارگران ایران ناسیونال همه چیز، از جمله کمترین ثروت خویش - جان گرامقدر - رانثار میهن خواهند کرد.

کارگران کاشی و سرامیک سعیدی بر علیه آمریکا جنایتکار و نوکر آن صدام تا آخرین قطره خون خود را نثار خواهند کرد...

و این قطره ای از دریای ایثار طبقه کارگر ایران. اما علاوه بر کارخانه، می توان نیروی کار خود را در جای دیگر، در تجهیز وسایل و برای مرمت خرابی ها به کار گرفت. در این راه هرکس کاری می تواند و همه می روند تا خللی در کار نیاید و رخنه ای باقی نماند:

سازمان بسیج مستضعفین ضمن تشکر از کارگران نانوايي که قبلا به اعواز اعزام شده اند از بقیه کارگران سندیکای نانوايي های تافتونی و خشک پیزی - داوطلب خدمت - خواست با سربست سندیکا تماس بگیرند تا ترتیب اعزام آنان داده شود.

تا کنون یکمدهوشان زنده تن از کارگران فنی کارخانه های ایران ناسیونال در رشته های مکانیک و برق اتومبیل و جوشکاری، داوطلبانه جهت تعمیر خودرو های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به غرب کشور اعزام شده اند...

کارکنان تکنوایش (چهارمدفنر) برای تعمیر دستگاه ها و خودروهای نظامی اعلام آمادگی کردند... و چه بسیار از این نمونه ها که پیش از این در رسانه ها دیده ایم و شنیده ایم. آوردن شاهد مثال ها کاری است زاید و البته نه گویای وسعت کار و عظمت مبارزه. آن چه هست در این مختصر نمی گنجد، چیزی است که در بطن وطن زاده می شود و آفتابی است عیان که هر

ویرتاژ مصور از:

راهپیمائی روستائیان اطراف اصفهان علیه امپریالیسم آمریکائو تجاوز نظامی صدام



ارتش عظیم زحمتکشان روستا آماده لبرد است. تا این ارتش هست، نه صدام میتواند غلظی بکند و نه آمریکا. داس دهقان اسلحه اوست. هر خوشه ای را که می چیدند، خمپاره ای به قلب دشمن است.



زنان و دختران مبارز و قهرمان میهنمان حاضرند در تمام جبههها علیه صدام جنایتکار و اربابش شیطان بزرگ، میزنند. زنان دهقان داس در دست دارند. این تفنگ پر قدرت آنهاست.



حتی سالخورده ترین دهقان نیز به صف راهپیمایان علیه تجاوز امریکا آمده است. بیلها و شنکشها و داسهای دهقانان نیز سلاح برای زحمتکشان روستائی ما در مقابله با توطئه های امریکاست. (باز ۱۳۵۹)

واگذاری زمین به دهقانان ضربه سختی به لیبرال هاست

هفته قبل در جلسه پرسش و پاسخ، رفیق کیا نوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، پیرامون علل گسترش حملات لیبرال ها، یعنی کسانی که میخواهند، انقلاب ما را متوقف کنند، بساط سرما به داری غارتگر و بزرگ مالکی را دست نخورده نگاه دارند و با امپریالیسم آمریکا کنار می آیند و سازش میکنند، صحبت کرد. در این سخنان، رفیق کیا نوری ضمن تشریح ضرباتی که بر لیبرال ها از جانب نیروهای قاطع و مدیق انقلابی وارد آمده، منجمله از اصلاحات ارضی و فرازونشیب آن در یکسال و نیم اخیر یاد کرد.

ما این قسمت از بیانات رفیق کیا نوری را - که مشروح آن در شماره ۲۵۹ با نام مردم چاپ شده - ما بار دیگر در این صفحه برای توجه همه دهقانان، علاقمندان به مسائل بسیار مهم و حیاتی ارضی و دهقانی، چاپ می کنیم:

در زمینه اقتصادی هم لیبرال ها ضربه های سختی خورده اند. ما میدانیم که دولت "گام به گام" آقای بازرگان با انتصاب بزرگ مالکی مثل اسپیدی وابسته به امپریالیسم، با هرگونه فکر اصلاحات ارضی دشمنی آشفتنی را پذیرفته نشان می داد و با تمام قوا از این که چنین فکری اصولاً مورد بحث قرار گیرد، جلوگیری می کرد ولی پس از سرنگونی دولت لیبرال "گام به گام" ما می بینیم در این زمینه که یکی از عرصه های مهم اقتصادی کشور ما است، تصمیماتی به سود دهقانان کم زمین و بی زمین به سود توده وسیع دهقان در جهت خلقی اتخاذ شده است و لیبرال ها که در دستگاه دولتی و در اقتصاد ایران فوق العاده نیرومند بودند، و بزرگ مالکان و سرما به داران بازاریارانها پشتیبانی می کردند و در وزارت خانه ها هم تمام اهرم ها در دستشان بود، به کمک گروهی از روحانیون و عاظم السلاطین که از اولش هم با انقلاب نبودند و تا آنجا هم که آمدند زیر فشار افکار عمومی جامعه بود، یک کارزار وسیع تبلیغاتی علیه اصلاحات ارضی به راه انداختند و در جاهایی حتی با مبارزه مسلحانه مزدوران ملاکان و فئودالها جلوی پیشرفت اصلاحات ارضی را گرفتند. ولی به طوری که می دانیم بالاخره به این تلاش لیبرال ها ضربه محکمی وارد آمد. قانون اصلاحات ارضی دو مرتبه مطرح شد و امام دستور داد، این قانون دو مرتبه مورد بررسی قرار گیرد و مرجعی که از فقهای طراز اول یعنی آیت الله منتظری، آیت الله بهشتی و آیت الله مشکینی تشکیل شده بود، دو مرتبه تأیید کردند که این قانون درست و کاملاً بجاست و باید اجرا شود و دستور اجرا را هم دو مرتبه دادند و الان در این زمینه فعالیت جدی آغاز شده است. این پیشرفت در زمینه اجرای قانون اصلاحات ارضی، ضربه خیلی سنگینی است که بر لیبرال ها وارد می شود. وضعی است که با چنین ضربه ای جیب و دانتها بلند شود.

پی گیری خواست ها و شکایات دهقانان

که این کانال از آنجا جدا می شود، می روند. در آنجا به علت عدم مدیریت درست آب رسانی، درگیری شدیدی بوجود می آید و حتی شب دست و پای دو تن از بنگهبانان بسته می شود و آب را از مسیر منحرف می کنند و حتی بین کشاورزان شخصی به نام جواد، که احتمالاً میراب منطقه است، درگیری ایجاد می شود. این مطالب، گفته های خود زارعین منطقه خمیران و معاف است، که بر آن تأکید دارند.

۲- خود کشاورزان منطقه چهار فریضه تأیید می کنند که در زمان کم آبی، در چند نقطه، کانال به وسیله افراد غیر مسئول سوراخ شده بود و حتی در چند نقطه در شاندرمن کانال آب رسانی را با الوار بسته بودند و آب را از مسیر منحرف کرده بودند.

۳- کشاورزان منطقه کپورچال به علت بی آبی شدید مجبور به اقداماتی شدند و حتی تعدادی مزرعه در کپورچال به جهت بی آبی محصول نصف برداشت کرده اند. علت اصلی همه اینها کم آبی کانالها و عدم مدیریت صحیح در آب رسانی و همچنین دخالت افراد غیر مسئول در امر آب رسانی بوده است.

رسیدگی به این مسائل کمک خواهد کرد تا در آینده آب رسانی، که مسئله عمده ای در کشت برنج است، به درستی انجام شود و کوشش خواهد بود در جهت خودکفائی و تأمین ارزاق عمومی در داخل کشور و اجرای فرمان امام خمینی برای کشت هر چه بیشتر و تولید هر چه فراوان تر

در شماره ۲۶۰ نامه "مردم" مطالبی پیرامون مزارع برنجکاری کپورچال (بندر انزلی) و مسئله آبیاری شالیزارها و احقاق حقوق دهقانان درج شده بود. نامه ای که به تاریخ ۵۹/۷/۱۰، به شماره ۹۸۳۵، از جانب شرکت سهامی آب منطقه ای شمال (وزارت نیرو) نوشته شده بود، اعلام می کرد که این مطالب با حقیقت وفق نمی دهد. در نامه اشعار شده بود که به موقع آب کافی از طرف کانال آب بر فومن داده شده و کشاورزان به موقع نسبت به پرداخت محصول اقدام کرده اند.

با تشکر از توجه مقامات مسئول نسبت به شکایات و مسائل مطروحه توسط دهقانان، خبرنگاران مادر منطقه مطالب زیر را از زبان خود روستائیان شنیدند، که بر صحت مطالب مندرجه قبلی گواهی می دهد. شایسته است که مسئولان مربوطه با دلسوزی و علاقمندی بار دیگر به مسئله رسیدگی کنند و اگر نقصی هست، یا احتمالاً غرابکاری در کانال آب رسانی شده و عمدی در مسدود کردن آن بوده، فکر عاجلی بکنند، تا به دهقانان در تولید بیشتر کمک شود و این منطقه بتواند به سهم خود کشور را از واردات برنج بی نیاز گرداند.

مطالبی که در محل، خود دهقانان می گویند، به قرار زیرین است:

۱- در تاریخ مذکور عده ای از روستائیان قرا، خمیران - معاف - اشبلا، که با بی آبی شدید مواجه شده بودند، به کانال آب رسانی آن منطقه، که شاخه رودخانه است و به محل سید ابراهیم شاندرمن،

دهقانان! از اعضای متعهد نهادهای انقلابی جهاد سازندگی

وسپاه پاسداران برای تشکیل شورای ده

و تسریع کار هیئت هفت نفری کمک بگیرد

برای بهبود تولید و تقویت نیازهای مردم در پشت جبهه بهره گرفت. در شرایط حساس فعلی، که انقلاب ما درگیر یک جنگ تحمیلی از طرف امپریالیسم آمریکا و رژیم مزدور صدام حسین است، می توان و باید از تمامی امکانات استفاده کرد. هر قدر در شرایط فعلی، قاطعانه تر عمل کنیم و تحولات عمیق تری را در روستاها به وجود آوریم، پیروزی انقلاب زودتر تضمین می شود. زمین های زراعتی نیز صحنه نبرد است. در این جا هم باید پیروز شد.

شاید با دست آوردن کاروبار از بیگاری و گرسنگی نجات یابیم. هم اکنون خطر مهاجرت جمعی و تبدیل روستا به یک ده متروکه، این ناحیه را تهدید می کند. با حل معضل آب در این روستا می توان از امکانات موجود در روستای ریجان متأسفانه به علت عدم با رندگی و خشکسالی قسمت اعظم بذرهایمان سوخت و حاصلی بسیار ناچیز به دست آمد. لذا ما مجبوریم اوایل هر سال برای همیشه زادگاه اصلی خودمان را با اتفاق خانواده هایمان رها کرده، راهی قزوین شویم، تا

هرگز بر نمی آیند و در نتیجه مقدار محدودی از زمین های خود را می توانستند به زیر کشت ببرند. یک جوان روستائی به نام محمد علی چکینی می گوید: "ماده خا توار جمع شدیم، با قرض و قرضه در حدود ده هکتار بذر به زیر کشت بردیم."

تعداد زمین قابل کشت در این روستا نسبتاً زیاد و برای دامپروری و گوسفندداری بسیار مساعد است لیکن مسئله آب مانع کار روستائیان و رشد تولید است برای تأمین آب زراعتی با بیستی اقدام به حفر چاه و خرید موتور آب کرد، که دهقانان بی چیز از عهده ایکنار در این روستا ۱۰ می کنند، که سابقاً از عشا پر کرد کوچیده بودند و اکنون سالهای متمادی است که در این مکان اسکان نداده شده اند. وضع خانه های مسکونی این روستا بسیار اسفنا راست و از زیر قوی به داشت هم خبری نیست. روستای ریجان در شمال غربی قزوین، بین راه رشت و قزوین دور از جا ده واقع است.

یاحل مسئله آب در روستای ریجان تولید را سروسامان دهید

واگذاری زمین به دهقانان ضربه سختی به لیبرال هاست

هفته قبل در جلسه پرسش و پاسخ، رفیق کیا نوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، پیرامون علل گسترش حملات لیبرال ها، یعنی کسانی که میخواهند، انقلاب ما را متوقف کنند، بساط سرما به داری غارتگر و بزرگ مالکی را دست نخورده نگه دارند و با امپریالیسم آمریکا کنار بیایند و سازش کنند، صحبت کرد. در این سخنان، رفیق کیا نوری ضمن تشریح ضرباتی که بر لیبرال ها از جانب نیروهای قاطع و صدیق انقلابی وارد آمده، منجمله از اصلاحات ارضی و فرازونشیب آن در یکسال و نیم اخیر یاد کرد.

ما این قسمت از بیانات رفیق کیا نوری را - که مشروح آن در شماره ۲۵ آبان ۵۹ "نامه مردم" چاپ شده ما با ردیگر در این صفحه برای توجه همه دهقانان، علاقمندان بمسائل بسیار مهم و حیاتی ارضی و دهقانی، چاپ می کنیم:

در زمینه اقتصادی هم لیبرال ها ضربه های سختی خورده اند. ما میدانیم که دولت "گام به گام" قای بازرگان با انتصاب بزرگ مالکی مثل ایزدی وابسته به امپریالیسم، با هرگونه فکرا اصلاحات ارضی دشمنی آشفتی تا پذیری نشان می داد و با تمام قوا از این که چنین فکری اصولاً مورد بحث قرار گیرد، جلوگیری می کرد ولی پس از سرنگونی دولت لیبرال "گام به گام"، ما می بینیم در این زمینه که یکی از عرصه های مهم اقتصادی کشور ما است، تصمیماتی به سود دهقانان کم زمین و بی زمین به سود توده وسیع دهقانان در جهت خلقی اتخاذ شده است ولی لیبرال ها که در دستگاه دولتی و در اقتصاد ایران فوق العاده نیرومند بودند، و بزرگ مالکان و سرمایه داران با آزار از آن ها پشتیبانی می کردند و در وزارت خانه ها هم تمام اهرم ها در دستشان بود، به کمک گروهی از روحانیون و عاظ السلاطین که از اولش هم با انقلاب نبودند و تا آنجا هم که آمدند زیر فشار افکار عمومی جامعه بود، یک کارزار وسیع تبلیغاتی علیه اصلاحات ارضی به راه انداختند و در جا هایی حتی با مبارزه مسلحانه مزدوران ملاکان و فئودالها جلوی پیشرفت اصلاحات ارضی را گرفتند. ولی به طوری که می دانیم بالاخره به این تلاش لیبرال ها ضربه محکمی وارد آمد. قانون اصلاحات ارضی دومرتبه مطرح شد و امام دستور داد، این قانون دومرتبه مورد بررسی قرار گیرد و مرجعی که از فقهای طراز اول یعنی آیت الله منتظری، آیت الله بهشتی و آیت الله مشکینی تشکیل شده بود، دومرتبه تأیید کردند که این قانون درست و کاملاً بجاست و باید اجرا شود و دستور اجرای راه دومرتبه دادند و الان در این زمینه فعالیت جدی آغاز شده است. این پیشرفت در زمینه اجرای قانون اصلاحات ارضی، ضربه خیلی سنگینی است که بر لیبرال ها وارد می شود، و طبیعی است که با چنین ضربه ای جیغ و داد آنها بلند شود.

پی گیری خواست ها و شکایات دهقانان

که این کانال از آنجا جدا می شود، می روند. در آنجا به علت عدم مدیریت درست آبرسانی، درگیری شدیدی بوجود می آید و حتی شب دست و پای دو تن از نخبگان بسته می شود و آب را از سر منحرف می کنند و حتی بین کشاورزان و شخصی به نام جواد، که احتمالاً میراب منطقه است، درگیری ایجاد می شود. این مطالب، گفته های خود زارعین منطقه خمیران و معاف است، که بر آن تأکید دارند.

۲- خود کشاورزان منطقه چهار فریضه تأیید می کنند که در زمان کم آبی، در چند نقطه، کانال به وسیله افراد غیر مسئول سوراخ شده بود و حتی در چند نقطه در شاندرمن کانال آبرسانی را با الوار بسته بودند و آب را از سر منحرف کرده بودند.

۳- کشاورزان منطقه کیورچال به علت بی آبی شدید مجبور به اقداماتی شدند و حتی تعدادی مزرعه در کیورچال به جهت بی آبی محصول نصف برداشت کرده اند. علت اصلی همه اینها کم آبی کانالها و عدم مدیریت صحیح در آبرسانی و همچنین دخالت افراد غیر مسئول در امر آبرسانی بوده است.

رسیدگی به این مسائل کمک خواهد کرد تا در آینده آبرسانی، که مسئله عمده ای در کشت برنج است، به درستی انجام شود و کوششی خواهد بود در جهت خودکفائی و تأمین ارزاق عمومی در داخل کشور و اجرای فرمان امام خمینی برای کشت هر چه بیشتر و تولید هر چه فراوان تر.

در شماره ۲۶۰ نامه "مردم" مطالبی پیرامون مزارع برنجکاری کیورچال (بندر انزلی) و مسئله آبیاری شالیزارها و احقاق حقوق دهقانان درج شده بود. نامه ای که به تاریخ ۵۹/۷/۱۰، به شماره ۹۸۲۵، از جانب شرکت سهامی آب منطقه ای شمال (وزارت نیرو) نوشته شده بود، اعلام می کرد که این مطالب با حقیقت وفق نمی دهد. در نامه اشعار شده بود که به موقع آب کافی از طرف کانال آب بر فومن داده شده و کشاورزان به موقع نسبت به برداشت محصول اقدام کرده اند.

با تشکر از توجه مقامات مسئول نسبت به شکایات و مسائل مطرح شده توسط دهقانان، خبرنگاران مادر منطقه مطالب زیر را از زبان خود روستائیان شنیدند، که بر صحت مطالب مندرجه قبلی گواهی می دهد. شایسته است که مسئولان مربوطه با دلسوزی و علاقمندی بار دیگر به مسئله رسیدگی کنند و اگر نقصی هست، با احتمالاً غرابکاری در کانال آبرسانی شده و تعددی در سدود کردن آن بوده، فکر عاجلی کنند، تا به دهقانان در تولید بیشتر کمک شود و این منطقه بتواند به سهم خود کشور را از واردات برنج بی نیاز گرداند.

مطالبی که در محل، خود دهقانان می گویند، به قرار زیرین است:

۱- در تاریخ مذکور عده ای از روستائیان قراخ خمیران - معاف - اشیرلا، که با بی آبی شدید مواجه شده بودند، به کانال آبرسانی آن منطقه، که شاخه رودخانه است و به محل سید ابراهیم شاندرمن،

دپر تاژ مصور از: راهپیمائی روستائیان اطراف اصفهان علیه امپریالیسم آمریکای تجاوز نظامی صدام



ارتش عظیم زحمتکشان روستا آماده لیرد است. تا این ارتش هست، نه صدام میتواند غلظی بکند و نه آمریکا. داس دهقان اسلحه اوست. هر خوشه ای را که می چید، خمپاره ای به قلب دشمن است.



زنان و دختران مبارز و قهرمان میهنمان حاضرند در تمام جبهه ها علیه صدام جنایتکار و اربابش شیطان بزرگ، بزمند. زنان دهقان داس در دست دارند. این تشنگ پر قدرت آنهاست.



حتی سالخورده ترین دهقان نیز به صف راهپیمایان علیه تجاوز آمریکا آمده است. بیلها و شنکشها و داسهای دهقانان نیز سلاح برای زحمتکشان روستائی ما در مقابله با توطئه های آمریکاست. (آبان ۱۳۵۹)

دهقانان! از اعضای متعهد نهادهای انقلابی جهاد سازندگی

وسپاه پاسداران برای تشکیل شورای ده و تسریع کار هیئت هفت نفری کمک بگیرید

کرد. هر قدر در شرایط فعلی، قاطعانه تر عمل کنیم و تحولات عمیق تری را در روستاها به وجود آوریم، پیروزی انقلاب زود تر تضمین می شود. زمین های زراعتی نیز صحنه نبرد است. در این جا هم باید پیروز شد.

برای بهبود تولید و تقویت نیازهای مردم در پشت جبهه بهره گرفت. در شرایط حساس فعلی، که انقلاب ما درگیر یک جنگ تحمیلی از طرف امپریالیسم آمریکا و رژیم مزدور صدام حسین است می توان و باید از تمامی امکانات استفاده

شاید با به دست آوردن کاروباراز بیکار روی گرسنگی نجات یابیم. هم اکنون خطر مهاجرت جمعی و تبدیل روستا به یک ده متروکه است. ناحیه را تهدید می کند. با حل معضل آب در این روستا می توان از امکانات موجود در روستای ریجان

منا سقا نه به علت عدم بارندگی و خشکسالی قسمت اعظم بذرها یمن سوخت و حاصلی بسیار ناچیز به دست آمد. لذا ما مجبوریم او اواخر با نیر برای همیشه زادگاه اصلی خودمان را با تظاق خانواده های یمن رها کرده، راهی قزوین شویم، تا

هرگز بر نمی آیند و در نتیجه مقدار محدودی زمین های خود را می توانند به زیر کشت ببرند. یک جوان روستائی به نام محمد علی چگینی می گوید: "ماده خانوار جمع شدیم، با قرض و قرضه در حدود ده هکتار بذریه زیر کشت بردیم.

تعداد زمین قابل کشت در این روستا نسبتاً زیاد و برای دا میرووری و گوسفندداری بسیار مساعد است. لیکن مسئله آب مانع کار روستائیان و رشد تولید است. برای تأمین آب زراعی با یستی اقدام به حفر چاه و خرید موتور آب کرده، که دهقانان بی چیز از عهده اینکار

در این روستا ۱۰ خانوار زندگی می کنند، که سابقاً از عشا بر کرد کوچیده بودند و اکنون سالهای متمادی است که در این مکان اسکان داده شده اند. وضع خانه های مکونی این روستا بسیار اسفنا راست و از زیر قوبه داشت هم خبری نیست.

روستای ریجان در شمال غربی قزوین، بین راه رشت و قزوین دور از جا ده واقع است.

درباره وظایف مبرم طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۴

البته با توجه به درستی این تشخیص نباید به سبب طبیعی بودن این دشواری ها "تأمتها" آن را تحمل کرد. در جامعه ما بسیار هستند مدیران انقلابی و کارآمدی که در کوتاه ترین فاصله ممکن می توانند غلایه ها را بپایان برسانند، اگر ملاک آن باشد همان طور که در سخنان ایمان متکسی به نیروی کارگر و خواست توده های مردم "عنوان شده است، ولی در ادامه سخنان دکتر مادی می خوانیم: "وزارت صنایع و معادن، مدیرانی که برای اداره کارخانجات ملی شده قرار می داد خودشان حالت مکتبی نداشتند و بدین ترتیب کارگران... می دیدند که همان مدیران سابق حداقل با خلق و خوی نسبتا طاغوتی آمده و میخواستند مثل سابق کارخانه را اداره کنند، لذا درگیری های خیلی زیاد بود...

آری مشکل این جاست و اگر در صنایع ملی شده ظرفیت مدیران نیست و در بسیاری از موارد بین سببها حد اکثر پنجاه درصد است، مشکل مدیریت سهم به سزایی در این نقشه دارد.

آقای دکتر مادی سرانجام در سخنان خود نتیجه گیری درست را چنین ارائه می دهد:

"من معتقدم که از بیرون کارخانه کسی را نباید مدیر گذاشت... وقتی که می بینیم از بین جمعیت کارمندان و کارگران کسانی هستند که بهتر می توانند نیازهای تولیدی را بیان کرده و اداره کنند... بلی خواست کارگران نیز همین است و انقلاب نیز در مسیر فوخته خویش چنین اقتضا می کند، متاسفانه در دوران سلطه اصحاب "گام به گام" چوب خرمهره که خود را "در" جازده شدند! و اکنون این مهم با دشواری های بیشتری همراه شده است.

چنین است که کارگران به سود انقلاب و در راه های جامعه و بالطبع تا مین سعادت خویش در نهایت امر، برای طرد این نشانه های عفونت ناگزیر از مبارزه ای دشوار اما برحق اند.

نماینده کارگران پارس لایت (قم) (که درگیر اشکال گوناگون سنگ اندازی کارفرمایان هستند و از جمله توطئه اخراج عده ای از یاران خود را توسط اوغشتی کردند) چنین می گوید:

"تا کارخانه ها در دست دولت قرار نگیرد و تا زمانی که این سرمایه داران خون آشام وجود دارند، مشکلات ما به قوت خود باقی است. ما باید حتما از طرف دولت تقویت شویم."

کارفرمایان بر سر راه تعمیم انقلاب در واحدهای تولیدی کار شکنی می کنند و هر چند بر طبق ضوابط سازمان صنایع ملی شده، هر کارخانه ای که بیش از دو میلیون تومان سرمایه و مجهل کارگر داشته باشد، مشمول امر ملی کردن می شود، ولی در عمل این چارچوب با زتر می شود و حفظ و مهم تر از آن تحقق عملی آن، آسان نیست.

کارگران ایران جوراب (قم) نیز چنین مشکلی دارند. کارفرما درصدد است کارخانه را به داخل شهر منتقل کند و قسمت خارج از شهر را بفروشد و در همین زمینه تلاش کارگران با همکاری سازمان صنایع ملی شده ادامه دارد. کارفرما حقوق سه ماه کارگران را پرداخت نکرده و اکنون از بیست دستگاه جوراب بافی فقط ۵ دستگاه کار می کنند و بقیه کارگران بیکارند...

این کارنامه کارفرماست. انهدام واحدهای تولیدی اخراج و سرکوب کارگران و بار خود راه هروسيله ممکن بستن و از مهلکه به درمستن.

مقایسه کنیم با آن جا که دولت نیز در اداره واحدی سهم است ولی مدیریت انقلابی نیست. نتیجه در یک مقطع، مشابه است:

دولت کارخانه ایران شیندلر، از ۵۰ سهم، سه سهم را (با نکت توسعه) وزارت صنایع و معادن و وزارت مسکن) یکی را بنیاد مستضعفین و دیگری را شیندلر سوئیسی داراست ولی از جهت تولیدی، از بدو انقلاب تا کنون کاری انجام نشده، حقوق کارگران به موقع پرداخت نمی شود و کارگران خود را در معرض از دست دادن کار خویش می بینند!

سخن کوتاه، در این عرصه که به طور طبیعی دولت انقلابی باید مبتکر و پیشگام باشد، بارمبارزه با غارت طاغوتیان به طور عمده و گاه کارمندان کارگران است. امروز کشور در حال جنگ است. دشواری های اقتصادی صدچندان شده اند و قاطعیت انقلابی در مواجهه با نارسایی ها و درهما هنگ کردن امکانات موجود برای تقویت سالم سازی اقتصاد و بویژه به منظور ایجاد تعادل در عرضه کالاهای مصرفی و تولیدات صنعتی ضرورت دم- افزونی کسب می کنند. این ضرورت چاره را در خلق یک عده غیرمتمتع و بی اعتقاد به نظام انقلابی و مدیزان ضد کارگری عرضه می کند. در تحقق این ضرورت به مثابه وظیفه مبرم انقلابی، اهرم انقلابی مبارزه طبقه کارگر ایران عامل اصلی است. در این زمینه رشته سخن را به یکی از بازرین کانون کارکنان که به عنوان وزیر کار سابق ایران شده می سپریم:

"در تماس با مسئولین اداره کل کارگر معلوم شد که اقدامات سوئی از سوی کارفرمایان طاغوتی در جهت فلج اقتصادی در دست اجراست که بایستی از تعمیمش جلوگیری شود. موضوع عبارت است از افزایش مزد کارگران خارج از لیست در برخی کارخانجات. هدف این کار دو چیز است: یکی جلب قلوب کارگران به ضرر نظم صنعتی کشور. دوم ورشکست نمودن صنایع به منظور ایجاد فلج سیاسی در صورت تعمیم این روش.

این است کارنامه مدیران طاغوتی و بی غیر از انقلاب! اما کاملا با خبر از نگردها و اهداف ضد انقلاب! آیا بیهوده است که در واحدهای ملی شده، آنجا که منطقا بایستی فرسنگ ها جلو رفته باشیم دشواری های اساسی بروز می کند، آشوب و اغتشاش، اعتصاب، کم کاری و نارضایتی کار را به آنجا می کشاند که برخی از کارگران از انقلاب و عملکرد آن رویگردان شوند؟ سبب آن است که مدیریت انقلابی همچنان معضل ناگشوده کارخانه هاست.

فی العنل کسی که پس از انقلاب به ریاست کارخانه درب و پنجره سازی آلومینیوم اراک گمارده شده، رئیس قبلی کارخانه سیمان تهران و از وابستگان حزب منحل

درباره جنبش مقاومت فلسطین (۴)

خلاصه قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد

درباره فلسطین

۲۹ ژوئیه ۱۹۸۰ (۷ مرداد ۱۳۵۹)

پس از بررسی مسئله فلسطین در اجلاس هی فوق العاده و ویژه، با اعتقاد به این امر که عدم حل مسئله نامبرده صلح جهانی و امنیت بین المللی را سخت به مخاطره خواهد انداخت، با اظهار نگرانی و تأسف از اینکه "تورای- امنیت" در جلسه ۳۰ آوریل ۱۹۸۰ (۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۹)، خود، به علت راهی مخالف ایالات متحده آمریکا، نتوانست در پاره توصیه های کمیسیون حقوق خلق فلسطین، که مجمع عمومی در قطعنامه های ۳۱/۲۰، ۲۴ نوامبر ۱۹۷۶ (۲۴ آذر ۱۳۵۵)، ۳۲/۴۰، ۲۵ دسامبر ۱۹۷۷ (۲۱ آذر ۱۳۵۶)، ۳۳/۲۸، ۲۰ دسامبر ۱۹۷۸ (۱۶ آذر ۱۳۵۷) و ۳۴/۴۵، ۲۹ نوامبر ۱۹۷۹ (۸ آذر ۱۳۵۸) خود آنها را تصویب کرده بود...

به ویژه اعلام می دارد که، به موجب منشور و قطعنامه های سازمان ملل متحد، بدون عقب نشینی اسرائیل از همه مناطق اشغالی فلسطین و عرب، از جمله بیت المقدس، و بدون حل عادلانه حقوق خلق فلسطین، صلح همه جانبه، عادلانه و پایدار در خاور نزدیک امکان پذیر نیست. حق فلسطینی های رانده از زاد و بوم خویش را نسبت به بازگشت به سرزمین خود تا کدی می کند؛ دیگر حقوق حقه خلق فلسطین را، از جمله: الف - حق تعیین سرنوشت خود بدون مداخله از خارج و حق استقلال و حاکمیت ملی؛ ب - حق تشکیل یک حکومت مستقل، تصریح می کند؛

حق جنبش آزادیبخش فلسطین، نماینده خلق فلسطین را، مبنی بر شرکت برابر حقوق در همه کوشش ها، مشورت ها و کنفرانس های سازمان ملل بهر امون مسئله فلسطین و اوضاع خاور نزدیک، تأیید می کند؛ اصل بنیادی بویژه از مباحث خشونت بار



علیه تمام دسایس امریکا متحد شویم!

بررسی

از این جهت مهم است که عمده ترین راه فرار تسایق ارز همین آزادی تجارت خارجی برای سرمایه دارها است. سرمایه دارها خیلی آسان می توانند در سال چندین میلیارد دلار ارز را مفت خارج کنند. به این ترتیب که تقاضای ورود کالا می کند، مثلا برای برنج یا کالایی که دولت به مصلحت نیاز اجازه ورود آن را می دهد. نماینده آن ها با شرکت خارجی مربوطه بندو بست می کند و می گوید شما قیمت هر تن برنج را فرضا ۱۰۰۰ دلار به جای ۷۰۰ یا ۵۰۰ دلار می ارزد، بنویسید. ما از آن ۳۰۰ تا ۵۰۰ دلار اضافی ۵۰ دلار هم به شما رشوه می دهیم. بعد این لیست قیمت ها را می فرستند اینجا. تاجر می رود بابت هزار تن برنجی که می خورد، هزار تا هزار دلار یعنی یک میلیون دلار اعتبار باز می کند و دولت و بانک مرکزی آن یک میلیون دلار را به قیمت هفت تومان که قیمت تجارتی است به او می فروشد. این آقا با این یک میلیون دلار، پانصد هزار دلار می دهد برنج می خورد پس از کسر رشوه به شرکت خارجی، ۴۵۰ هزار دلار باقی ماند مرا که خودش به قیمت ۷ تومان خرید ماست از راههای گوناگون در بازار آزاد آب می کند. بدین طریق حتی اگر برنج او هم در دریا غرق شود، اوسودخود را برده است. این یکی از راههای بسیار عادی است که خود بانک مرکزی هم به آن وقوف پیدا کرده به هیچ ترتیبی هم نمی تواند آنرا کنترل کند. بواسطه و آ به هم گاری از بیست و نه هدرت، چون آنها بی که این حقه بازی ها را می کنند، از اسلام، فقط تظاهر به آنرا دارند و حداقل یک ریش هم گذاشته و تسبیحی به دست گرفته اند و از همان کسانی هستند که امام گفت: من نتفردارم از آنها که به رژیم های استبدادی و غارتگر کمک می کنند. هیچ چیز در این عناصر تاثیر ندارد: نه منافع ملی، نه فحشه کودگانی که گرسنه می خوابند، نه فم و اندوه مادرانی که کودکان گرسنه را در بغل دارند، هیچ یک از این ها، در این اشخاص تاثیر ندارد. اینها جانورهای زالوهای خون آشامی هستند که در سراسر تاریخ همیشه با غارتگری زندگی کرده و فقط در فکر افزایش سود و انباشتن میلیاردها ثروت بوده اند، بهترین کاخ ها را برای خودشان می سازند و فقط تظاهر می کنند به این که هوادار اسلام هستند. البته همان اسلامی که آقای سادات و ضیاء الحق و گارترو و غیره هم هوادارن هستند.

این است مسئله تجارت خارجی و توزیع. این مسئله تنها با واگذاری تجارت خارجی به دولت و کنترل آن توسط دولت حل شدنی است. البته در تجارت خارجی واگذار شده به دولت هم فساد رخنه خواهد کرد. نمایندگان بورژوازی در دستگاه دولتی هستند، لبرال ها همه جا هستند، غارتگران در دستگاه دولتی هم رخنه می کنند و هستند. و جلوگیری از آنها کار زیاد می خواهد. ولی زمانی که از این منبع ممکن است به اقتصاد کشور برسد، به مراتب کمتر از زمان هایی است که از آزاد بودن تجارت خارجی برای سرمایه داران بزرگ وابسته، به اقتصاد کشور می رسد. اما درباره توزیع داخلی، توزیع داخلی دو مرحله دارد: یکی مرحله نهایی یا آخرین حلقه توزیع، یعنی فروشندگان که کالا را به مصرف کنندگان می رسانند و یکی مرحله قبل از آن که وارد کنندگان و عاملان درجه اول هستند. بخش تدارک و توزیع کالاهای مصرفی مورد احتیاج عموم، یکی از میدان های وحشتناک و وحشیانه غارتگری است. همه می دانیم که تاجر بزرگ وقتی مثلا آهنش می رسد به بندرعباس، پس از دریافت خیر رسیدن آن، بلافاصله تلفن را بر می دارد و به ۴ تا دلال مراجعه می کند که پنج هزارتن آهن رسیده، چند می خرید؟ سپس آن دلال ها به دومی و سومی و بعدی مراجعه می کنند و به این ترتیب آهنی که در بندر است هنوز به محل فروخته نشده، از چند مرحله می گذرد و در همان حلقه های بیش از رسیدن به دست مصرف کننده، میان واسطه ها خرد می شود و آنها هستند که آهن را به مصرف کننده می فروشند. گذار از این مراحل هم، طبعا قیمت را چندین برابر می کند. این قارت است، دزدی است، این چاول است. و اما چطور می شود جلوی آن را گرفت؟ تجربه تمام کشورهای که در شرایط کشور ما هستند و خواسته اند با این پدیده مبارزه کنند، نشان داده است که جلوگیری از آن تنها از یک راه ممکن است و آن هم این است که به موازات این بازار، بازار دیگری به وجود آید: بازار تدارک و توزیع دولتی و تعاونی، بازاری که در آن دست سرمایه دارهای جداگانه، مستقل، مغرور و بخش خصوصی آزاد نباشد.

بررسی

بقیه از صفحه ۳
به صندوقی که سود آن عاید تمام خلق می شود، سرازیر کرد و امکان غارت را از سرمایه داران سودجو سلب کرد. اصولا در بخش واردات و بخش تدارک و توزیع کالاهای مصرفی مورد نیاز درجه اول جامعه، فقط از یک راه می توان از غارت و چپاول جلوگیری کرد و آن هم ملی کردن تجارت خارجی و ایجاد بخش دولتی و تعاونی تدارک و توزیع کالاهای مصرفی، یعنی بخش غارت سرمایه داری تدارک و توزیع کالاهای مصرفی است. این تجربه ای است که انقلاب های دوران کنونی ما، از ۶۰ سال پیش به این طرف، به دست آورده اند و توانسته اند تا زمانی که سرمایه داری یا قشری از سرمایه داری هنوز وجود دارد، آن را انجام دهند. ما هم در مرحله کنونی رشد اقتصادی خودمان، طرفداران از بین بردن سرمایه داری به طور کلی نیستیم و متقدم کم سرمایه داری کوچک و متوسط در چارچوب اقتصاد مردمی و خلقی کنترل شده زیر نظر دولت، هنوز می توانیم به فعالیت مثبت خود ادامه دهیم. همان طور که مثلا در کشورهای چون الجزایر و سوریه و با برخی کشورهای دیگر که حتی سبک گیری سوسیالیستی دارند، مشاهده می شود. حتی در کشورهای سوسیالیستی طس یک دوران همین وضع بر این منوال بود و نتایج مثبتی از آن به دست آمد. پس نظر ما این است که دولت هر چه سریع تر تجارت خارجی را ملی کند و آنرا از چنگ سودجویان و غارتگران درآورد. به ویژه اکنون که مسئله تا مین ارز دیگر برای خرید از کشورهای خارجی به مسئله مهمی تبدیل شده است، یعنی دایم مثل دوماال پیش و حتی سال پیش نیست که ارز حاصل از فروش نفت برای رفع نیازمندی ها کافی باشد. حالا خیلی دشوار است، و حتی برای سال آینده، اگر جنگ هم تمام شود و حتی تجاوز آمریکا هم بصورت کنونی اش خاتمه یابد (که این البته فقط یک فرض است) باز هم تدارک میزان کافی ارز برای دولت ایران با دشواری های توأم خواهد بود.

به این ترتیب مسئله ملی کردن تجارت خارجی و بیرون کشیدن آن از دست سرمایه داران بزرگ وابسته، در شرایط کنونی از جهت برای اقتصاد کشور، بسیار سودمند است. اول از این جهت که با این عمل یکی از پرسودترین بخش های اقتصادی کشور در اختیار دولت قرار می گیرد و دولت خواهد توانست کسر بودجه خود را که خیلی سنگین شده است و هزینه های را که برای رونق دادن به کارهای ساختاری در کشور، لازم دارد، تا حدی از این راه تأمین کند. دوم مسئله ارز است. ارتباط تجارت خارجی با مسئله ارز ایران نوین است. وی از وابستگان حزب منحل رستاخیز و سرسپرده رژیم پیشین بوده که از جمله در تدارک و بخش های دو هزار و بیست و هشتاد و یک سلطنت شرکت داشته است. این شخص پس از انقلاب از کارخانه سیمان با پرداخت کلیه وجوه سهم کارفرما اخراج شده است! آیا جز خرابکاری از چنین عناصری انتظار دیگری می رود؟ در جایی که همین چندی پیش از طرف بنیاد مستضعفین شخصی به سمت مدیر عالی کارخانه کوره مهنج در مشهد انتخاب شده که علنا در خیابان های این شهر، به تبلیغات ضد انقلابی می پردازد، آیا وظیفه طبقه کارگر در مهار کردن سرکشی این مدیران وابسته ارزشی والا و احمیتی به سزا ندارد؟ وظیفه مسئولین طرد این عناصر ضد انقلابی نیست؟ در یک کلام شاهراه ترقی اجتماعی مبین مادرپر تو مبارزه متشکل و هدایت شده ای است که از جمله برنبرد عناصر وابسته به رژیم پیشین و بویژه کارگزاران سرمایه داری و وابسته در لباس کارفرمایان و مدیران گذر دارد و این از قوی ترین خواست های طبقه کارگر است.

در نظام جمهوری اسلامی پیش از پیش روشن گردد و مردم ما قوت قضاوت بیشتر را پیدا کنند.

۵- از مسئولین مملکتی، و به تغییر امن، از سران می‌خواهیم که توانشان را صرف سامان بخشیدن به جمهوری اسلامی کنند و در برخورد با مشکلات راههای قانونی راه، که در قانون اساسی پیشینی شده، انتخاب کنند و بپناه به دست دشمنان قسم خورده اسلام و انقلاب اسلامی ندهند.

۶- از رئیس جمهور و رئیس دولت خواستاریم که در تکمیل کابینه بکوشند و تأکیدی بر برتری امام را تصالیح قرار دهند، زیرا عدم تکمیل کابینه در امور دولت و در همه شئون جامعه و نیز در کار مجلس تأثیرات تیران کننده‌ای دارد.

۷- از شورای عالی دفاع می‌خواهیم که تمامی تلاش خود را برای شکست محاصره آبادان و قوت سایر جبهه‌ها و ایجاد هماهنگی کامل برای رفع کمبودها و تقاضای بکسر گیرند تا ارتش جمهوری اسلامی، پاسداران عزیز و نیروهای بسیج مردمی، که مورد تأیید امام و امت می‌باشند، به تبرک و دلیرانه خود بهتر ادامه دهند.

رئیس مجلس، پس از قرائت نامه به مردم المینان داد که:

«همه قوا در صدد هستند که در اعتلاء کشور و ازین بردن کمبودها و تقاضای بکوشند».

رئیس مجلس سپس افزود:

«امیدوارم که امروز ملت ما، مجلس ما و همه قوای ما سعی کنند همه مشکلات خود را با وحدت با توجه به این اصل حیاتی انقلاب، که ستون فقرات یک انقلاب همان وحدت است، برطرف کنند».

رئیس مجلس در ادامه سخنان خود، از سوریه، الجزایر، لیبی، سازمان آزادیبخش فلسطین و یمن دمکراتیک، که شرکت در کنفرانس سران کشورهای عربی را تحریم کرده‌اند، سیاستگرایی کرد.

آنگاه مجلس وارد شور شد و پس از قرائت اسامی قاضین، آقای محمدعلی رجایی نخست‌وزیر پشت میکروفون قرار گرفت و دکتر جوان باهنر را به عنوان وزیر آموزش و پرورش معرفی کرد. چندی از نمایندگان در موافقت و مخالفت با وزارت دکتر باهنر سخن گفتند و سپس در این مورد رای گرفته شد که در نتیجه وزارت دکتر جوان باهنر با اکثریت آراء به تصویب رسید.

در این جلسه سپس چند لایحه در ارتباط با وضع درجه‌داران دیپلمه ارتش و پرداخت بخشی از دستمزد کارکنان طرح‌های عمرانی در مناطق جنگی در مجلس قرائت شد. جلسه بعدی مجلس امروز تشکیل می‌شود.

بررسی وضع تصفیه شدگان اداره‌ها در نخست‌وزیری

آقای محمدعلی رجایی نخست‌وزیر، در جلسه علنی دیروز مجلس، اعلام کرد که به‌زودی دایره‌ای به منظور رسیدگی به وضع کارکنان تصفیه‌شده دولت، در نخست‌وزیری شروع به کار خواهد کرد. این دایره وظیفه دارد کسانی را که به اشتباه تصفیه شده‌اند به کار خود باز گرداند و همچنین افرادی را که برای کار در قسمتی از یک وزارتخانه یا اداره دولتی تاصالح تشخیص داده شده‌اند، به قسمت دیگر منتقل کند. به کسانی نیز که تصفیه آن‌ها مورد تأیید مجدد قرار گیرد، پیشنهاد کار در بخشهای تولیدی داده خواهد شد.

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

ملت و رهبر اجازه نمی‌دهند که ۲۸ مرداد تکرار شود

باسکوت در مورد مسائل تفرقه آور، ضدانقلاب و انانگام می‌سازیم

رئیس مجلس از سوریه، لیبی، الجزایر، سازمان آزادیبخش فلسطین و جمهوری دمکراتیک خلق یمن به خاطر تحریم کنفرانس سران عرب تشکر کرد.

دولت باید شوراهای پیش‌بینی شده در قانون اساسی را تشکیل دهد.

تجارت خارجی نباید در اختیار بخش خصوصی باشد.

برای حفظ وحدت، مجلس سکوت را رعایت می‌کند.

مجلس از مطبوعاتی که به خواست وحدت‌افزین امام خمینی احترام می‌گذارند تشکر کرد.

۱- «با وحدت است که می‌توانیم به انقلاب ادامه بدهیم و به پدر زیر انقلاب احترام بگذاریم».

رئیس مجلس آنگاه نامه‌ای را که توسط ۱۳۵ تن از نمایندگان مجلس خطاب به رئیس مجلس نوشته شد، است، قرائت کرد. در این نامه با تشریح شرایط کنونی کشور آمده است:

«در این لحظات حساس از تاریخ خونبار انقلاب اسلامی ایران، که از یاسو سردمداران کفر و استکبار جهانی تمام نیروهای خود را وقف دردم کوبیدن جمهوری اسلامی و پایمال‌ساختن خون شهیدان نموده‌اند و از سوی دیگر خطوط انفجاری و ضدانقلاب داخلی، جبهه متحدی در مقابل خط روشن و روشنگر امام بوجود آورده‌اند و باحرکات نفرت‌آورشان قلب نازنین امام عزیز ما را بدرده آورده‌اند، استعفا داریم درجهت رفع یارهای از ابهامات این مواضع را از جانب ما اعلام و به‌سمع امام و امت برسانید».

۱- در مورد مسائل تفرقه آور سکوت را حتی به قیمت فدا نمودن خود حفظ نموده و بدین ترتیب ضدانقلاب را تا کام و غنکین و قلب امام عزیزمان را شاد می‌نماییم.

۲- مطبوعاتی را که از دامن‌زدن به اختلافات دست بردارند، محکوم و از مطبوعاتی که صدقانه به خواست وحدت‌افزین امام احترام بگذارند، صمیمانه تشکر می‌کنیم.

۳- تگرانی خود را نسبت به هرگونه مسموحه و برخورد غیرجیدی بعضی از نمایندگان با مجلس آبراز داشته و از ملت عزیز می‌خواهیم با دقت مراقب اعمال ما باشند و نسبت به اسامی قاضین و تأخیرکنندگان توجه بیشتری داشته باشند.

همچنین از مسئولین اجرایی در تمام سطوح خواهان برخورد فعال و جندی با مسائل و مشکلات مردم هستیم.

۴- از ملت مسلمان و قهرمان ایران که به موقع ما را از تذکرات خیرخواهانه خود با هر تنو بهره‌مند می‌کند، تشکر می‌کنیم. ضمانت‌آورد می‌شویم که بجای پرداختن به هرگونه مسئله انحرافی، مطالعه دقیق قانون اساسی را سرلوحه برنامه‌های خویش قرار دهند و از روحانیون و فرهنگیان عزیز می‌خواهیم که مردم را در این جهت یاری فرمایند و برای آموزش قانون اساسی برنامه‌های منظمی پیش‌بینی کنند. باشد که وظایف نهادها و مسئولین

«ضدانقلاب اینک در پشت‌جبهه‌ها روی تصفیه روحانیت کار می‌کند، ولی ما از این بابت تگرانی نداریم، زیرا ملت و رهبر ما تجربه ۲۸ مرداد را دارند و اجازه نمی‌دهند که ۲۸ مرداد تکرار شود. بهرحال این تبلیغات پشت جبهه بین مردم تشریحی را بوجود آورده است و آن‌ها درباره اختلاف‌نظرها سوال می‌کنند. وقتی به آن‌ها جواب می‌دهیم، می‌گویند طرف مقابل چیز دیگری می‌گوید. لذا به مردم پیشنهاد کردیم که ما پشتیبان حرف‌های خود را بر زمین و مردم قضاوت کنند. البته بعد فکر کردیم ممکن است این کار مثلاً باعث تصفیه ریاست‌جمهوری بشود و از این کار گذشتیم. تا اینکه آقای رئیس‌جمهور خوشبختانه خودشان هم این مسئله بحث را مطرح کردند».

دکتر دیالعه همچنین گفت:

«مردم می‌خواهند نظریات مقابل را بدانند و این چیزها افکار آن‌ها را مختوش می‌کنند».

ناطق سپس آمادگی خود را برای بحث آزاد در یک جلسه عمومی اعلام و اظهارامیدواری کرد که رئیس جمهور هم ترتیب و شرایط این بحث را اعلام کند.

آنگاه رئیس جلسه تذکر داد که براساس گفته آیت‌الله خامنه‌ای قضیه حمله به کانون دکتر شریعتی تحت تعقیب است و عوامل مشکوکی که به آن حمله کرده‌اند، بزودی دستگیر و شناسایی خواهند شد. رئیس مجلس چنین حملاتی را نامعقول خواند و آن را محکوم کرد. وی سپس به ضرورت وحدت اشاره کرد و گفت:

«در مقاطعی سکوت یک عمل صالح است و گاه سخن‌گوئی عمل صالح. از این جهت برای حفظ وحدت، بخصوص در شرایط کنونی، که بیش از هر زمان مورد نیاز است، خواسته مجلس ضرورت وحدت است و به همین خاطر سکوت را رعایت می‌کنیم آن را یک حرکت درست می‌شناسیم».

نامه نمایندگان در مورد حفظ وحدت

وی سپس تأکید کرد که امامت و رهبری باید کاملاً پشتیبانی شود و اگر حریم امامت و رهبری شکسته شود حریم انقلاب و همه‌شهادت‌ها شکسته شده است. او گفت:

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست اکبر پرویز تشکیل شد، عده‌ای از نمایندگان مجلس، ضمن نامه‌ای که در جلسه قرائت شد، از مسئولین مملکتی خواستند که بتوانشان را صرف سامان‌بخشیدن به جمهوری اسلامی کنند.

در آغاز این جلسه، ملکی به‌عنوان اولین ناطق پیش از دستور سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت:

«منطقی است اگر دولت و دولتمردان ایران بشینند و چارچوب تشکیلات مملکت را روشن کنند، والا اینکه هر روز وزارتخانه‌ای را به دو قسمت کنیم، کاری ارزشی نخواهیم برد. اگر دولت بتواند شوراهای پیش‌بینی شده در قانون اساسی را ازباین تشکیل دهد، می‌تواند گامی در جهت حل مشکلات تشکیلاتی خود بردارد».

ناطق سپس خواستار تهیه ضوابطی برای کار وزارتخانه‌ها و وزراء در چارچوب آن شد. او آنگاه به مسئله مالکیت اشاره کرد و گفت:

«هیات‌های ۷ نفری باید به مسئله مالکیت آب و زمین رسیدگی کنند، ولی عده‌ای نمی‌گذارند... در بعضی از شهرستان‌ها شوراهایی تشکیل شده که ملاکین سابق در آن عضویت دارند».

ملکی، با اشاره به اشکال مالکیت ذکر شده در قانون اساسی، اظهار داشت:

«من هشدار می‌دهم که آنچه مربوط به بازرگانی خارجی است، به‌سر نوشتن قانون تجارت ۱۳۰۹ دچار تشویش این اصل همانطور که اجازه نمی‌دهد دولت صنایع مادر و معادن بزرگ را به بخش خصوصی بدهد، نمی‌پذیرد که تجارت خارجی در اختیار این بخش باشد».

او آنگاه تأکید کرد که:

«اگر «شورایی» نه‌غریبه درست تفسیر شود، ما سیاست خارجی فعالی خواهیم داشت، در غیر اینصورت سیاست ما انفعالی خواهد شد».

ملکی در پایان سخنان خود پیام زردشتی‌های یزد را قرائت و تأکید کرد که مستقیم‌ترین زردشتی برای حفظ جمهوری اسلامی تا پای جان ایستادگی می‌کنند و فقط خواستار رعایت قانون اساسی و تساوی در مقابل قانون اساسی هستند.

دومین ناطق این جلسه آیت‌الله لاهوتی بود، که تلگرام دکتر محمدتقی شریعتی را به مجلس، در مورد حمله به کانون نشر تبلیغ قرائت کرد. در این پیام ضمن اشاره به سوابق این کانون و مبارزات اعضاء آن، در مورد حمله به این کانون اظهار تگرانی شده بود.

اشتباه کامپیوترهای صدام

دکتر دیالعه، سخنان بعدی پیش از دستور، به حمله صدام‌حسین به ایران اشاره کرد و گفت:

«او فکر میکرد ۳ یا ۵ روزه ایران را و یا بخش جنوبی ایران را خواهد گرفت. ولی دیدیم که پس از گذشت ۲ ماه و نیم و فداکاری دلیرانه نیروهای مسلح ما، بر او روشن‌تر شده که کارش اشتباه بوده است. اینطور تحلیل می‌شود که او نیروهای ایران را درست برآورد نکرده بود و نمی‌دانست که اینطور می‌شود. اما به اعتقاد من او روی حساب حمله کرد و محاسبه به او نشان داده بود ۳ یا ۵ روزه می‌تواند به مقصد خود برسد. اگر اشتباهی در اینجا صورت گرفت، این بود که در این طرف قضیه زمینه‌هایی وجود داشت که قابل محاسبه نبود. مثلاً اینار برای کامپیوترها قابل محاسبه نیست و یا شهادت در کامپیوتر نمی‌گنجاند».

ناطق سپس افزود:

این عذر، که هنوز برای ملی کردن بازرگانی خارجی آماده نیستیم، پذیرفتنی نیست. انحصار دولتی بر بازرگانی خارجی در کشور ما، اگرچه بطور ناقص، ولی سابقه ۴۰ ساله دارد. بنابراین ما چندان هم در اینکار خالی‌الذهن و بی‌تجربه نیستیم. علاوه بر آنکه، در همین وزارت بازرگانی، از سالها پیش بخش بازرگانی خارجی وجود داشته، که کارمندان آن تجارب لازم را اندوخته‌اند، بانکهای وجود داشته، که در رشته بازرگانی خارجی فعالیت داشته‌اند و اکنون دولتی شده‌اند، و میتوان از آموخته‌های متخصصین و کارمندان آن بهره جست. بنابراین هر روز تاخیر در اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی، بمعنی بازپس قراردادن زندگی میلیونها خانواده زحمتکش در دست سرمایه‌داران بزرگ سودجوست.

مبارزه با گرانی بوسیله مسکن‌های موقت، چون مجازات محکوران و گرانفروشان، اقدامی سطحی و بدون اثر بخشی لازم است. آب از سرچشمه گل‌آلود است، و این سرچشمه گل‌آلود جز سرمایه‌داران وابسته نیستند، که باید امکان سودجویی و نفع‌طلبی را در جامعه انقلابی خود از آنان سلب کنیم و به سلطه اقتصادی آنان پایان بخشیم.

اقدامات مهمتری همراه باشد، که اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و ملی کردن بازرگانی خارجی در صدر آن قرار دارد.

ملی کردن بازرگانی خارجی بمعنی پایان دادن بر سلطه امپریالیسم غارتگر بر بازرگانی کشور است، بمعنی نقطه پایان نهادن بر سیاست خائنه درهای باز دوران طاغوت است، که درآمدهای ارزی ما و منابع ثروت ما را به تاراج امپریالیسم سپرده، بمعنی تسخیر مواضع سرمایه‌داری وابسته در بخش بازرگانی و سلب قدرت او در این بخش مهم اقتصادی است.

ملی کردن بازرگانی خارجی دولت را قادر خواهد ساخت تا صنایع ملی و مستقل کشور را شالوده ریزه، صنایع مادر را بنیان نهد و کشاورزی کشور را با ماشین و تکنیک مدرن مجهز سازد.

ملی کردن بازرگانی خارجی حاکمیت دولت را بر بازار تأمین خواهد کرد و دست بازرگانان بزرگ و سرمایه‌داران وابسته را از ارتزاق خون مردم باز خواهد داشت.

سرمایه‌داری وابسته دشمن انقلاب ما، دشمن استقلال کشور ما است. باید مواضع اقتصادی این دشمن خطرناک را درهم کوبید، تا از آن مواضع، انقلاب را زیر ضربه نگیرد، چنانچه اکنون گرفته است.

افزایش بی‌رویه قیمت‌ها...

بقیه از صفحه ۱

می‌یارد و درحالیکه زحمتکشان از هیچگونه ایثار و فداکاری برای بیروزی در جنگ و راندن دشمن بدستگال از سرزمین خود، دریغ ندارند و از جان و از زندگی خود برای حفظ انقلاب و استقلال کشور مایه می‌گذارند، این سوداگران مرگ، حتی از کفن شهیدان هم سودجویی میکنند و پول روی پول می‌گذارند. سرپرست خانواده‌های زحمتکش در خط مقدم جبهه با تجاوزگران صدامی - این مزدوران بی‌آرم امپریالیسم امریکا - سینه به سینه می‌جنگند و خانواده‌هایشان برای خرید مایحتاج روزانه خود، یا کمبود و گرانی بی حد و حصر، مراجعه‌اند و کاسه دیکتم چکنم در دست دارند، توده‌های مردم، هم می‌جنگند و هم بار گرانی و کمبود را بر دوش دارند، و سرمایه‌داران نفع‌طلب، هم از جبهه میگریزند و شهرها را خالی میکنند و هم در بی غارتو مکیدن خون زحمتکشان هستند.

دولت اکنون در کار سهمیه‌بندی ۶۰ قلم از ضروری‌ترین مایحتاج مردم است. این اقدامی است مثبت، مفید و لازم، که باید با

اعلامیه کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان (پیرو کنگره چهارم):

وظیفه مردم کردستان طرفدوسر کوب خائنین به انقلاب ایرانست

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) با صدور اطلاعیه‌ای تاکید کرد که «وظیفه مردم کردستان طرفدوسر کوب خائنین به انقلاب ایران است».

دائردسته قاسملو و سایر گروهکهای ضدانقلابی، جنایت بیسابقه یمنی‌ها را با خیانت حمله به شهرهای ارومیه، ماکو، سنقر و ... تکمیل میکنند و همگام با اقدام فاشیستهای وابسته به امپریالیسم وظیفه و نقش کثیف خود را که سرگرم کردن نیروهای مدافع انقلاب است، در بخش بزرگی از کردستان ایفاء میکنند و با ضربزدن به نیروهای مدافع انقلاب، کردستان را به ضعیفترین حلقه انقلاب مبدل می‌سازند و شکی در سرسپردگی خود برای مردم باقی نمیگذارند.

وظیفه مردم کردستان، انقلابیون واقعی و دمکراتهای راستین است که در شناساندن هرچه بیشتر و طرد و سرکوب این خائنین به انقلاب ایران و مردم کردستان کوشا باشند و بیش از این اجازه ندهند که با عوامفریبی و سوء استفاده از نام، سابقه و اعتبار حزب دمکرات کردستان ایران، به انقلاب کشورمان و به مردم ما صدمه بزنند. نباید به کسانی که مصوبات سریع و روشن کنگره چهارم حزب را مبنی بر: «ما بنوبه خود یکبار دیگر پشتیبانی خود را از دستاوردهای انقلاب و از رهبری امام خمینی اعلام میداریم و همراه همه نیروهای انقلابی درمقابل توطئه ضدانقلاب و عمل امپریالیسم با تمام قوا ایستادگی خواهیم کرد و از انقلاب دفاع خواهیم نمود» (صفحه بیست گزارش مصوبه کمیته مرکزی به کنگره چهارم)، زیر پا نهاده و عملاً نقش جاده‌ساز کن و همدست تجاوززین خارجی و ضدانقلاب داخلی را ایفاء میکنند، اجازه داد که بیش از این به بهانه دفاع از خودمختاری، خلق کرد را دستاویز خیانتهای خود قرار دهند.

بدون وجود ایرانی آزاد و مستقل، بدون وجود رژیم غیر وابسته و ضدامپریالیست، طرح مساله دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان معنی و مقبومی نخواهد داشت. مرحله حساس و سرنوشت‌ساز فعلی قبل از هر چیز یک وظیفه اصلی و اساسی در پیش‌روی ما میگردد و آن دفاع از موجودیت انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایرانست. لازم است که همه مردم ایران، همه خلقهای ایران، فارس، آذربایجانی، کرد، بلوچ، عرب، ترکمن و غیره، همه نیروهای انقلابی و مردمی، چون تنی واحد در برابر توطئه تجاوز رژیم عراق در برابر دیگر توطئه‌هایی که اینجا و آنجا وسیله امپریالیسم تیرخورده آمریکا و ایادی منقلبه‌ای و داخلی‌اش تدارک دیده میشود، چنانچه مقاومت کرد و بانثار خون پاکیزین فرزندان و بایبذل جان و مال، درخت انقلاب‌نویا را با زور و ترس رسایه گستر ساخت.

این قبیل رویدادها بدون شک انقلاب ما را ریشه‌دازتی میگرداند. بیروزی مردم و شکست امپریالیسم و تجاوززین یعنی و ضدانقلاب داخلی حتی است. پیروزی انقلاب مردمی ایران! پیروزی جمهوری اسلامی ایران! خسته‌باد وحدت یکبارچه خلقهای ایران در دفاع از انقلاب خلقی و ضدامپریالیستی ما! هرگز بر امپریالیسم جهانی‌سرمردگرمی آمریکا و ابدی‌سرمسپرده آن نظیر صدام فاشیست و بقایای رژیم متفور گنشته و نیروهای ضد انقلابی داخلی! کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) - ۲۵-۱۳۵۹-۷

میرمحمد صادقی، وزیر کار و امور اجتماعی: مامعتقدهستیم که حکومت روی زمین بامستضعفین است

به حضور سرمایه‌داران در شورای عالی کار پایان داده خواهد شد. ما از کار کسانی که طرز فکرشان در جهت سرمایه‌داری است، جلوگیری خواهیم کرد.

آقای میرمحمد صادقی وزیر کار و امور اجتماعی، طی یک مصاحبه مطبوعاتی درباره مسائل کار و کارگران سخن گفت و در مورد قانون کار مطالبی عنوان کرد. آقای میرمحمد صادقی در ابتدای سخنان خود، ضمن اشاره به مسائل میان کارگران و وزارت کار گفت: «این مسائل منجر شده که مردم فکر کنند وزارت کار، خانه کارفرمست. اما... این وزارت خانه به خانه کار و کارگر تبدیل خواهد شد، تا این وزارت مدافع اصلی حقوق کارگران باشد».

وزیر کار و امور اجتماعی در مورد مشکل بیکاری، که بر اثر جنگ تحمیلی شدت یافته، گفت: «در اثر جنگ تحمیلی اخیر بیکاری افزایش یافته است، زیرا کارخانه‌ها و موسسات اقتصادی در مناطق جنگی تعطیل و یا از بین رفته‌است که این خود یکی از اهداف آمریکا جهت تحمیل جنگ بوده است، تا با ایجاد مشکلاتی نظیر افزایش بیکاری جمهوری اسلامی را بشکند، ولی آمریکا خود با شکست روبرو شده، زیرا برادران کارگر روحیه‌ای خوب دارند، بطور مثال روز گذشته گروهی از کارگران خوزستان آمده بودند و اظهار میداشتند می‌دانند کسی از بیکاری ما سوء استفاده کند».

وزیر کار و امور اجتماعی، سپس اظهار داشت: «تعیین حدود مالکیت یکی از وظایف مجلس شورای اسلامی است و یکی از مسایلی که در کارها وقفه ایجاد میکند عدم تعیین حدود مالکیت است. بطور مثال وقتی که میخواهند قانون کار را بنویسند، در مورد کارخانه نمی‌دانند باید چه تصمیماتی گرفته شود و امیدوارم مجلس بزودی این مسئله را حل کند».

آقای میرمحمد صادقی در مورد قانون کار جدیدی که در دست تدوین است، گفت:

«قانون کار در حال تدوین است... ما معتقد هستیم که حکومت روی زمین بامستضعفین است و سعی می‌کنیم که در این جهت حرکت کرده و قوانین در این خط باشد زمانیکه قانون کار تهیه شد، در معرض افکار عمومی کارگران قرار خواهد گرفت، تا به انتقاداتی که توسط کارگران و دیگران میشود، قانون کار مناسبی در جهت مستضعفین تدوین شود».

وزیر کار و امور اجتماعی افزود: «اعضای شورای عالی کار از طریق شوراهای کارگری انتخاب خواهند شد و به حضور سرمایه‌داران در شورای عالی کار پایان داده خواهد شد... ما از کار کسانی که طرز فکرشان در جهت سرمایه‌داری است، جلوگیری خواهیم کرد».

وزیر کار و امور اجتماعی در پایان در مورد شرکت یا عدم شرکت ایران در کنفرانس بین‌المللی کار در مانیل گفت:

«آمریکا خوشحال خواهد شد که ما گرسبهای خود را از دست بدهیم. ما از آمریکا ترس و وحشت نداریم، ولی از هر گرسی و سنگری علیه آن استفاده خواهیم کرد».

دیروز بزیر برجم دفاع از خودمختاری و حقوق خلق کرده خیزه بود، یرده از چهره برگرفته است و آشکارا، با هتاهنگ کردن عملیات خود در داخل مرزها و منطقه ما، در پی اجرای فرمان ارباب و گنودن جیبه دوم در کردستان است. مدارس به تشنج کشیده می‌شود، در راهپیمائیه‌ها شعارهای انحرافی - ضدانقلابی زمزمه میشود و ترورد و قتل و شکنجه، این حریره همیشه وازدگسان سیاسی و مریدگان از توده‌های میلیونی خلق، دوباره بکار گسرتفته میشود (نمونه‌های مهاباد و شهر خودمان).

قتل و انتقالات اخیر ضدانقلابیون (دائردسته قاسملو، کومه‌له، افسران فراری شاهی و...) شایمه‌سازیه‌ها و تحریکات عوامل ستون پنجم، که آگاهانه و موزیانه - متاسفانه - توانسته است از عملکرد نادرست بعضی مقامات اجرائی حداکثر استفاده را در جهت انحراف افکار عمومی بنماید، خبر از بازگسودن همان جیبه دوم و ایجاد درگیری مجدد میدهد».

در دنباله این اطلاعیه، خطاب به مردم کردستان و با اشاره به آثار شوم حمله این گروهک‌ها، آمده است: «در این مقطع زمانی، که سرزمین ما درگیر جنگ میهنی است... نیجاست با قاسی به جوانان و مردم غیور خوزستان، که قاطعانه در مقابل تجاوز مزدور ایستاده‌اند، یوزه این دریسوزگان درگام امپریالیسم و ارتجاع را بخاک مالیم. در شرایط کنونی هر تفنگی که بسوی مردم و نیروهای مسلح مدافع جمهوری اسلامی ما شلیک کند، بفرمان آمریکا، به نفع آمریکا و در خط امریکاست، زیرا که خط یا جیبه سومی وجود ندارد».

نیروهای مسئولی که در این شرایط بسیار حساس وظیفه‌سنگین بسیج توده‌های مردم را بعهده دارید! مبارزه یا ضدانقلاب را نباید و نمیتوان تنها از بعد نظامی نگریست. وظیفه بسیار مهمتر در بعد سیاسی و خشکاندن لجزار مناسب رشد ضدانقلاب است، که هبانا اقدامات درست، سنجیده و بجای شما را میطلبد».

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در سنقر:

درمقابل ضدانقلاب پیاخیزیم

سازمان حزب توده ایران در شهرستان سنقر، ضمن صدور اطلاعیه‌ای درمورد توطئه امپریالیسم جهانی، سرگردگی آمریکا، و ارتجاع منطقه درمورد تکمیل تجاوز خارجی به ایران، با ایجاد جنگهای داخلی توسط ابدی و مزدوران خود، هشدار داد.

در این اطلاعیه ضمن تشریح شرایط حساس کنونی کشور و تشدید حملات امپریالیسم و ارتجاع، آمده است: «بیش از یک ماه و نیم است که مردم مرزهای جنوبی و غربی مبین ما زیر بارانی از موشک و راکت و گلوله‌های توپ و خمپاره، چون دیواری به استواری آیمان و چون کوهی به عظمت شهادت، یابداری میکنند. با این یابداری جانانه و استقامت فوق بشری بود که هدف اولیه توطئه آمریکا - صدام بشکست انجامید، اما اصل تجاوز و کشتار و تخریب، و تبدیل جنگ برقی‌آسا به جنگ فرسایشی در دستور روز امپریالیسم و ارتجاع منطقه باقی است».

آنچه هم‌اکنون مورد نظر امپریالیسم و ارتجاع منطقه‌است، تکمیل تجاوز خارجی با ایجاد جنگهای داخلی توسط ایادی و مزدوران خودفروخته‌شان است. در دنباله این اعلامیه با اشاره به وضع ویژه کردستان، آمده‌است: «مردم شیرمان هنوز جامه عزاداری حادثه‌عید قربان اسال را نسته است که زمزمه‌هایی جفدوز از طرف ضدانقلابیون - که مامورند و مذنور - دوباره بگوش میرسد، زیرا که بهر حال دستور ارباب را باید اطاعت کرد و با ایجاد جنگ و هرج‌ومرج در کردستان و حمله به شهرها و ستونهای نظامی و یادگانها و پاسگاهها، به اصطلاح کردستان را به خوزستان گره زد. آنچه که اخیرا توسط روزنامه تترین، چاپ سوریه، در زمینه توطئه‌های ارتکارنگ امپریالیسم و پیوند همه انواع آن باهم، افشا شد و انتشار یافت، حتی دیگر بر تمامی ارزیابی‌هایی است که از همان نخستین جرقه‌های شروع جنگ برادرکشی در کردستان، توسط حزب توده ایران، ارزیابی، افشا و محکوم گردید (و ما از این بابت خوشحالییم که در یرتو واقیبات، آنچه را که تا دیروز، ناباوران، خوش‌قلبان، ساده‌اندیشان و خامان نمی‌دیدفتند، عیان شده است). هم اکنون ضدانقلاب داخلی، که بخشی از آن سالوسانه تا

نامه مردم
ازگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار نامه مردم نیست
NAMEH MARDOM
No. 379
26 November 1980
Price: West-Germany 0.80 DM, France 2 Fr., Austria 8 Sch., England 20 P., Belgium 10 Fr., Italy 350 L., U.S.A. 40 Cts, Sweden 1.50 Skr.
خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر یا نامه مردم مکاتبه کنند: صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۱، منطقه پستی تهران